

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجُّهُمْ

دین و زندگی (۱)

قرآن و تعلیمات دینی

رشته‌های علوم تجربی – ریاضی و فیزیک – فنی و حرفه‌ای و کارداش

پایه دهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دین و زندگی (۱) قرآن و تعلیمات دینی - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۴

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

پرویز آزادی، ناصر ابراهیمی، محمود الله وردی، عباس جوارشکیان، فضل الله خالقیان، سید محمد دلبری،

حسین سوزنچی، سید حمید طالب‌زاده، علی کاظمی، مصطفی فیض، علی طیفی، سید محسن

میریاقری و مسعود وکیل (اعضا شورای برنامه‌ریزی)

محمد مهدی اعتمادی، یاسین شکرانی (اعضا گروه تألیف) - سید اکبر میر جعفری (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - سیدعلی موسوی (طرح

گرافیک، طراح جلد) - مجتبی زند (صفحه‌آرا) - سیدعلی موسوی، سونبا مهاجر (تصویرگر) - فاطمه

باقری‌مهر، سیده‌فاطمه محسنی، فاطمه‌صغری ذوالقاری، نوشین معصوم‌دوست، زینت بهشتی شیرازی،

حمید ثابت‌کلاچاهی، فاطمه رئیسیان فیروز‌آباد (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

نشانی سازمان:

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱

(داروپخش)، تلفن: ۰۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۰۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

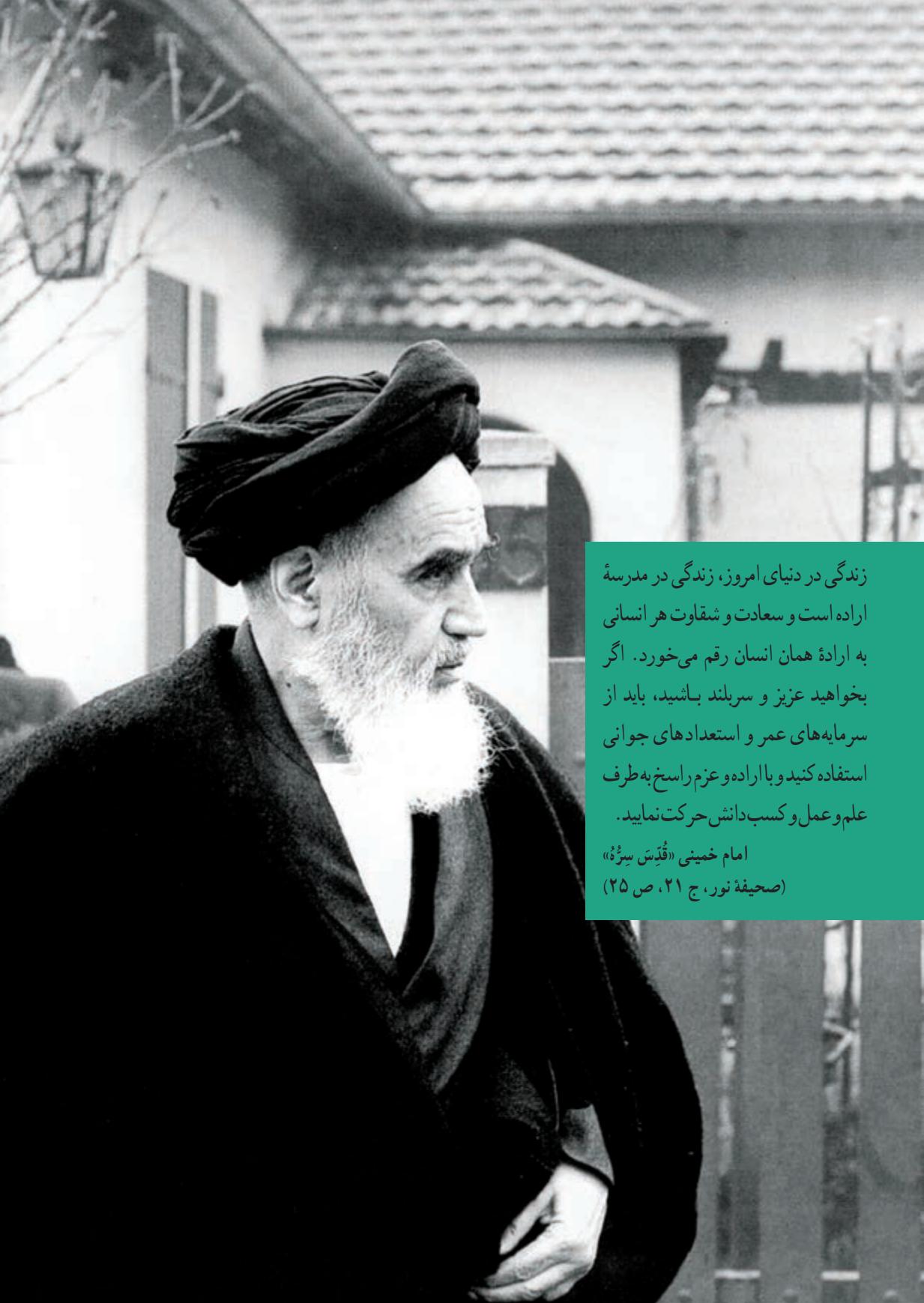
چاپ هفتم ۱۴۰۱

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۵۳۵-۷

ISBN 978-964-05-2535-7



زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد. اگر بخواهید عزیز و سریلند باشید، باید از سرمایه های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ به طرف علم و عمل و کسب دانش حرکت نمایید.

امام خمینی «قدس سرہ»
(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۵)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در بایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

بخش اول: تفکر و اندیشه



۲۸

درس دوم: پر پرواز



۱۴

درس اول: هدف زندگی



۵۲

درس چهارم: آینده روشن



۴۰

درس سوم: پنجره‌ای به روشنایی



۷۴

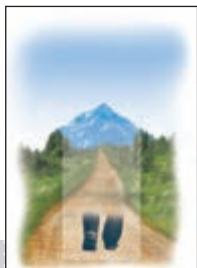
درس ششم: واقعه بزرگ



۶۴

درس پنجم: منزلگاه بعد

بخش دوم: قدم در راه



۹۸

درس هشتم: آهنگ سفر



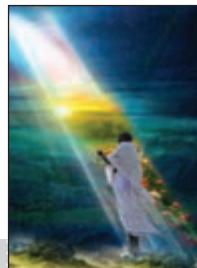
۸۴

درس هفتم: فرجام کار



۱۲۲

درس دهم: یاری از نمازو و روزه



۱۱۰

درس نهم: دوستی با خدا



۱۴۶

درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی



۱۳۶

درس یازدهم: فضیلت آراستگی



پیش از مطالعه
کتاب، حتماً این
قسمت را بخوانید.



دوستان عزیز، سلام بر شما

۱- برای انس پیشتر دانش آموزان با قرائت قرآن کریم، آیاتی از قرآن کریم و ترجمه آن، در ابتدای هر درس آمده است. در هنگام تدریس، ۱۰ دقیقه ابتدای کلاس به قرائت اختصاص دارد. از آنجا که آموزش صحیح قرائت در دوره های تحصیلی گذشته انجام شده و قواعد قرائت صحیح، آموزش داده شده است، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند این قواعد را مراجعات کنند و آیات را صحیح بخوانند. به همین جهت باید از دانش آموزان بخواهیم که آیات هر درس را روز قبل از طریق رمزینه های سریع پاسخ، مرور و تمرین کنند و در فرصت کوتاه کلاس، متن تمرین شده را به صورت «جمله به جمله» بخوانند.

۲- این درس وقتی نتیجه بخش و ثمردهنده خواهد بود که عرصه حضور، فعالیت و خلاقیت های فکری دانش آموزان باشد و به آنها شهمامت اندیشیدن و ابتکار بدهد. میزان موفقیت ما در تدریس به میزان تفکر و اندیشه ورزی دانش آموزان بستگی دارد. روش تدریس و ارزشیابی ما باید به گونه ای باشد که دانش آموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. آن امتحان و آن ارزشیابی با اهداف این درس هماهنگ است که امکان تحقیق، اظهار نظر و فکر کردن را برای دانش آموزان فراهم کند. با توجه به نکات فوق، ارزشیابی این درس در دو بخش انجام می گیرد.

بخش اول : ارزشیابی مستمر؛ شامل :

۱- قرائت صحیح آیات شریفه : ۴ نمره

۲- انجام فعالیت های داخل درس (مانند تدبیر، فعالیت کلاسی و...) و پرسش از متن : ۸ نمره

۳- مشارکت در کار گروهی و گفت و گوها : ۴ نمره

۴- پاسخ به سوال های بخش اندیشه و تحقیق : ۴ نمره

توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و انجام کارهای هنری و ادبی تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می کند.

بخش دوم : ارزشیابی پایانی؛

این ارزشیابی در پایان هر نیمسال انجام می‌گیرد که شامل دو بخش است : ۱- آزمون کتبی ۲- قرائت آیات. در آزمون کتبی، سوال‌ها باید براساس رویکرد کلی محتوای آموزشی؛ یعنی فهمیدن، نه حفظ کردن، استوار باشد. باید محورهای کلیدی و اصلی محتوای کتاب، محور آزمون باشد و از نکات حاشیه‌ای و فرعی نباید برای طرح سوال استفاده شود.

آزمون کتبی ۱۶ نمره دارد. ۴ نمره از ارزشیابی پایانی به قرائت صحیح داش آموزان اختصاص دارد.

توجه :

۱- آیات ابتدای هر درس برای قرائت در کلاس است و صرفاً در ارزشیابی مستمر و پایانی به صورت شفاهی از دانش آموزان پرسیده می‌شود و نباید هیچ گونه سوالی در امتحانات کتبی و آزمون‌های ورودی داشتگاهها از این آیات طراحی شود.

۲- ترجمة آیاتی که در مقابل صفحه قرائت و قبل از شروع درس آمده است جزء محتوای آموزشی نیست و صرفاً جهت آشنایی دانش آموزانی که تمایل به دانستن مفاهیم این آیات دارند، قرار داده شده است. از این قسمت (آیات ابتدای درس و ترجمه‌های مقابل آن) در آزمون‌ها، اعم از آزمون‌های کتبی در نظام آموزشی آموزش و پرورش و آزمون‌های ورودی داشتگاهها، نباید سوالی طرح شود.

تذکر : ترجمة آیاتی که در داخل درس آمده است، جزء محتوای آموزشی است و از مفهوم آنها می‌توان سوال طرح کرد.

۳- قسمت‌های « بیشتر بدانیم» و « پاسخ سوالات شما» فقط برای توسعه اطلاعات و کسب نمره تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی داشتگاهها نباید از این قسمت‌ها سوال طرح شود.

۴- فعالیت‌هایی که با علامت * مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط در زمان تدریس و ارزشیابی مستمر از آنها استفاده می‌شود و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی داشتگاهها نباید سوالی از آنها طرح شود.

۵- تمام قسمت‌هایی که تحت عنوان « پیشنهاد» و « پاورقی‌ها» در کتاب آمده است، صرفاً جهت توسعه اطلاعات می‌باشد و در ارزشیابی پایانی و آزمون‌های ورودی داشتگاهها نباید مورد سوال قرار گیرد.

۶- آیاتی که در درس‌های ترجمه نشده اند آیاتی هستند که در سال‌های پیشین معنا و مفهوم آنها به داش آموزان آموزش داده شده است.

۷- در برخی درس‌ها، رمزینه‌هایی جهت آموزش بهتر برخی مفاهیم قرار داده شده است. این رمزینه‌ها که با علامت « مشخص شده‌اند، صرفاً جهت یادگیری هرچه بهتر درس بوده و نباید از محتوای آن در ارزشیابی‌های مستمر و پایانی سوال طراحی شود.



طرحی برای زندگی

سخنی با دانش آموزان

دانش آموز عزیز، سلام بر شما

۱- «چگونه زیستن» یک انتخاب است. برخی آن را کم اهمیت، برخی مهم و برخی آن را بسیار مهم می دانند. کسانی که کمتر به این انتخاب اهمیت می دهند، کمتر هم درباره آن می اندیشنند و هر طور که پیش آید، زندگی می کنند.

اما آنان که به «چگونه زیستن» خود اهمیت می دهند و درباره آن تفکر می کنند، برای خود وجود خود ارزش قائل اند و به این حقیقت توجه دارند که زندگی در این جهان یک بارخ می دهد و دیگر تکرار نمی شود؛ و سرنوشت ما، هرچه که باشد، به همین زندگی تکرار نشدنی گره خورده است. از این رو، بی اعتمایی و بی توجهی به این حقیقت از اهمیت آن نمی کاهد و نتایج آن، سرانجام ما را متوجه ارزش این زندگی خواهد کرد.

۲- نوجوانی، بهترین زمان برای تفکر در «ازندگی» است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از نوجوانان در همین دوران به سؤال هایی می رسند که نقش اساسی در تصمیم گیری آنها دارد؛ زیرا هنوز دل مشغولی ها و مسئولیت های وی چندان زیاد نشده است که فرصت فکر کردن در این باره را از او بگیرند. علاوه بر این، نوجوان و جوان، اهل تصمیم های بزرگ و قدم های بلند است. البته هر تصمیم بزرگ و هر اقدام شجاعانه ای نیازمند دقت، کارданی و زیرکی است. و گرنه فرصت تکرار نشدنی این زندگی، از دست خواهد رفت.

۳- برای برداشتن قدم های بلند، باید بر زمین استوار قدم نهاد؛ چشم انداز راه را دید و مسیر رسیدن به آن چشم انداز را با اطمینان انتخاب کرد.

به عبارت دیگر، حرکت نیازمند یک طرح و نقشه ای است که از ابتدا تا انتهای راه، مسیر های عبور، پیچ و خم ها، گردنه های پر خطر و چگونگی گذر از آنها را ترسیم کند تا با اجرای آن، بتوانیم به سلامت به سر منزل مقصود برسیم.

۴- با توجه به آنچه گفته شد، ترسیم نقشه زندگی و طراحی حرکت، نیازمند پاسخ به این سوال‌ها است :

الف) برای چه به این جهان آمده‌ایم و هدف از خلقت ما چیست؟

ب) برای رسیدن به هدف خلقت، چه ابزارها و سرمایه‌هایی نیاز داریم؟

ج) به کجا می‌رویم و چه سرنوشتی در پیش داریم؟

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده است، و کجا قرار دارد و به کجا می‌رود»^۱.

پس از این سوال‌ها به این سوال می‌رسیم :

از چه راهی باید برویم و چگونه زندگی کنیم؟

اگر به این سوال‌ها به صورت منطقی و با دلیل پاسخ دهیم، طرح هر کس برای زندگی به دست می‌آید و پس از آن می‌داند که «چگونه باید زندگی کند».

۵- خوب‌بختانه در کتاب آسمانی ما قرآن کریم درباره این سوال‌ها آیات بسیاری آمده است که با تفکر و تدبر در آنها می‌توانیم به بهترین پاسخ‌ها برسیم. خداوند، در قرآن می‌فرماید :

إِنَّهُذَاالْقُرْآنَيَهْدِيلِلّتِي هِيَأَقْوَمُو يُبَشِّرُالْمُؤْمِنِينَالَّذِينَ يَعْمَلُونَالصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْأَجْرًاكَبِيرًا^۲

همان‌این قرآن به بهترین راه‌ها هدایت می‌کند و مؤمنان را که عمل صالح انجام می‌دهند، مزده می‌دهد که پاداش بزرگی در پیش دارند.

۶- در سال‌های گذشته درباره هر یک از این سوال‌ها، مطالبی آموخته‌ایم و نکته‌های فراوانی به دست آورده‌ایم. اکنون که به دوره دوم متوسطه رسیده‌ایم و شاهد رشد عقلانی شما هستیم، شایسته است که در سطحی بالاتر و با روشی منطقی تر به این سوال‌ها پردازیم و با هرسال، بخشی از «طرح زندگی» را کامل کنیم.

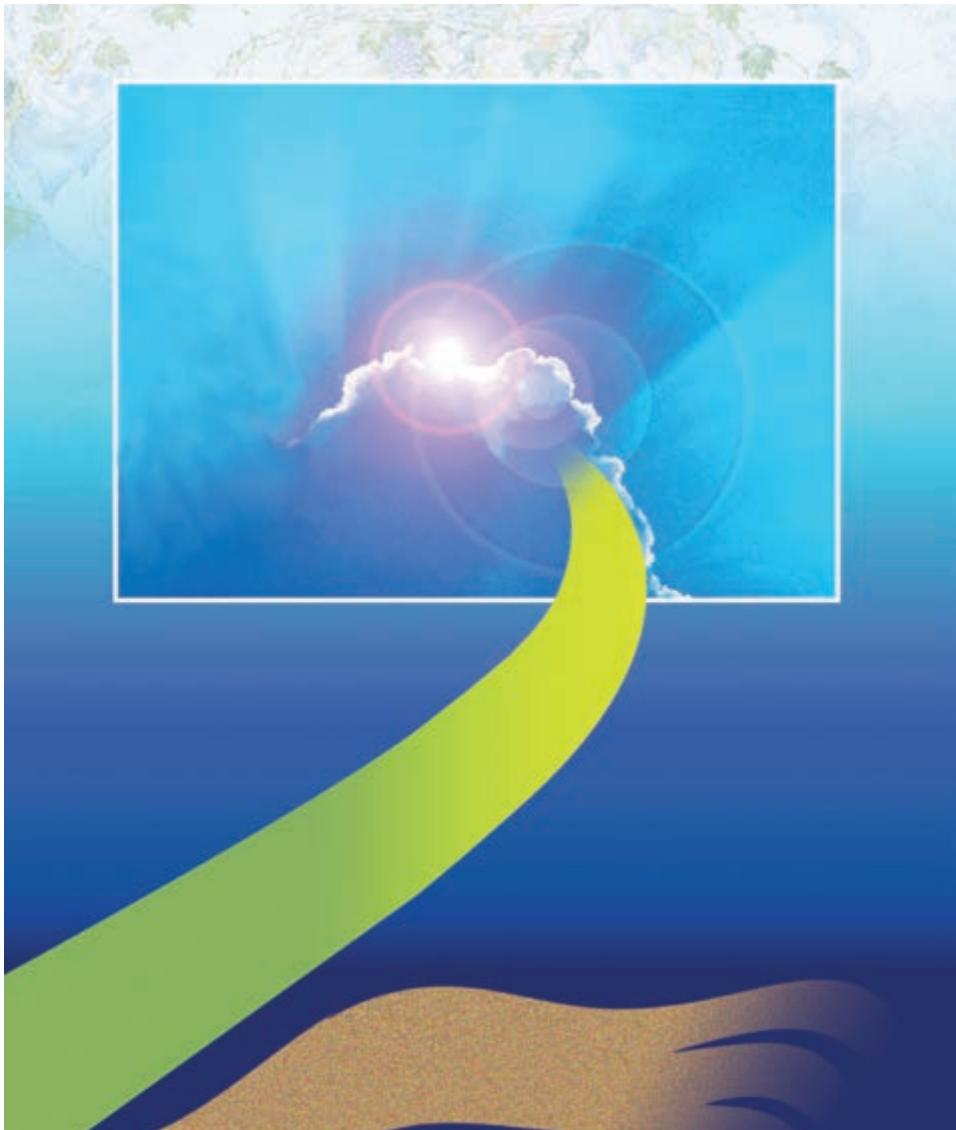
۱- اعلام الدين في صفات المؤمنين، ابوالحسن دیلمی، مؤسسه آل‌البیت، ص ۳۴۴

۲- سوره اسراء، آیه ۹

۱

بخش اول

تفکر و اندیشه





آیات درس را با توجه به الگوی قرأت، جمله به جمله بخوانید و معنای آن دقت کنید.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ الْيَلِ وَالنَّهَارِ
لَا يَكُونُ لِأُولَئِكَ الْأَكْبَابِ ١٩١ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا
وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ١٩٢
رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
مِنْ أَنْصَارٍ ١٩٣ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًّا يُنَادِي لِلَا يَمَانِ
أَنَّ آمِنْوَا بِرَبِّكُمْ فَأَمَّنَا رَبَّنَا فَاغْفِرْلَنَا ذُنُوبَنَا
وَكَفَرْعَنَّا سَيِّاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ١٩٤ رَبَّنَا
وَأَتَنَا مَا وَعَدْنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ١٩٥ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ
أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ انثَى
بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هاجَرُوا وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ
وَأُوذِنُوا فِي سَبِيلِهِ وَقُتِلُوا وَقُتِلُوا لَا كَفِرَنَّ عَنْهُمْ
سَيِّاتِهِمْ وَلَا دُخْلَنَّهُمْ جَهَنَّمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ
ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الشَّوَّابِ ١٩٦

توجه: آیات ابتدای هر درس فقط برای قرائت در کلاس است و نباید هیچ گونه سؤالی در امتحانات کتبی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها از این آیات طراحی شود.

سورة آل عمران، آیات ۱۹۵ تا ۱۹۱

مسلمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در بی‌یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه‌های قانون کننده برای خردمندان است. **۱۹۰**

همان‌ها که خدا را [در همه احوال] در حال ایستاده و نشسته، و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشنند [و می‌گویند]: پروردگار! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. **۱۹۱**

پروردگار! هر که را تو [به خاطر اعمالش]، به آتش درآوری، یقیناً او را خوار و رسوا ساخته‌ای! و برای ستمکاران یاورانی نیست. **۱۹۲**

پروردگار، ما شنیدیم که دعوت‌گری به ایمان فرامی‌خواند که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» پس ما ایمان آوردیم. پروردگار! گناهان ما را بیخش! و بدی‌های ما را بیوشان! و ما را با نیکان [و در مسیر آنها] بمیران! **۱۹۳**

پروردگار!، و آنچه را که به‌وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ماعطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردن، زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی. **۱۹۴**

پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که: من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد شما هم نوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم. [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست. **۱۹۵**

توجه: ترجمه آیات صرفاً جهت آشنایی شما داشت آموزان عزیز با مفاهیم آیات می‌باشد و جزء محتوای آموزشی نیست و در امتحانات کتبی و آزمون‌های ورودی داشتگاه‌ها سؤالی از آنها داده نخواهد شد.

در اول

هدف زندگی

«...در عالم یک چیز است که آن فراموش کردنی نیست؛ اگر جمله چیز هارا فراموش کنی و آن را فراموش نکنی، تو را باک نیست و اگر جمله را به جا آری و آن را فراموش کنی، هیچ نکرده باشی؛ همچنان که پادشاهی تو را به ده فرستاده برای کار معین، تو رفته و صد کار دیگر گزاردی، چون آن کار را که برای آن رفته بودی نگراردی، گویی که هیچ نگزاردی پس آدمی درین عالم برای کاری آمده است، و مقصود آن است، چون آن نمی گزارد، پس هیچ نکرده باشد.

اگر تو گویی اگر چه آن کاری که خدا مرابرای آن آفریده نمی کنم، در عوض، چندین کار دیگر انجام دهم، گوییم آدمی را برای آن کارهای دیگر نیافریده اند. همچنان باشد که تو شمشیر جواهر نشان که قیمت نتوان بر آن گذاشت - و تهادر خزانه ملوک از آن بتوان یافت - آورده باشی و آن را ساطور گوشت گندیده ای کنی و یادیگ زین را بیاوری و در آن شلغم بپزی و بگویی که من اینها را معطل نگذاشت و به کار گرفته ام؛ جای افسوس و خنده نباشد؟

حق تعالی نیز تو را ارزش بسیار داده است. پس ببین که برای چه تو را خلق کرده و برای چه کار فرستاده است.»^۱

* * *

۱- برگرفته از کتاب «فیه ماقیه» مولوی

جهان هدفمند

در پس خلقت تک تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد؛ زیرا خالق آنها خدایی حکیم است؛ یعنی خدایی که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد. قرآن کریم در آیات گوناگون براین نکته تأکید می‌کند و آفرینش جهان را «حق» می‌داند. از آن جمله می‌فرماید :

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ
وَ مَا يَبْيَهُمَا لَا عِبِيرَ
وَ آنِّيهِ بَيْنَ آنَّهَا سَتْرٌ
آنَّهَا رَا جَزْ بِهِ حَقَّ خَلْقِ نَكْرِدِيمِ.^۱
ما خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌دار بودن خلقت آنهاست. این آیه به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی براساس برنامه حساب شده‌ای به این جهان گام نهاده است و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

انسان نیز مانند موجودات دیگر، از این قاعده کلی جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است و گام نهادن او در این دنیا، فرستی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. از این‌رو، حضرت علی عائیله هرگاه که مردم را موقعه می‌کرد، معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می‌کرد :
ای مردم ... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند و اورا به خود و انگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش بپردازد.^۲

البته میان هدف انسان و موجوداتی همچون حیوانات و گیاهان، تفاوت‌هایی وجود دارد. تفاوت‌هایی که به ویژگی‌های خاص انسان و تمایز او از سایر موجودات بازمی‌گردد. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از :
۱- انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام ببردارد؛ در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند. مثلاً دانه گندم به صورت طبیعی در جهت رسیدن به هدف نهایی خود یعنی تبدیل شدن به خوش‌های با ده‌ها دانه حرکت می‌کند و یا نهال کوچک خرما در مسیر رسیدن به نخلی تنومند پیش می‌رود.

۱- سوره دخان، آیات ۳۸ و ۳۹

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۷

دانلود سوالات آزمون

راهنمای کامل آزمون

۲- انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعدادهای محدود مادی دارند، مجموعه‌ای فراوان از استعدادهای مادی و معنوی است. به همین دلیل، به دنبال انتخاب هدف‌هایی است که از طریق آن، استعدادهای گوناگون خویش را به کمال رساند.

۳- انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز افزون می‌گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود. این انسان بی‌نهایت طلب، در زندگی خود همواره در حال انتخاب هدف است؛ هدف‌هایی پایان‌ناپذیر و تمام‌نشدنی. درحالی که حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند و هنگامی که به سرحدّی از رشد و کمال می‌رسند، متوقف می‌شوند؛ چنان‌که گویی راهشان پایان یافته است.

اختلاف در انتخاب هدف

وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حریت انگیزی مواجه می‌شویم؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم که به راستی، کدام انتخاب درست و همسو با میل بی‌نهایت طلب انسان و استعدادهای فراوان مادی و معنوی اوست و کدام‌یک این‌گونه نیست؟

کسانی به دنبال پول و ثروت‌اند، برخی دل به کشف اسرار جهان سپرده‌اند، برخی به دنبال جاه و مقام‌اند، دسته‌ای خدمت به خلق را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند، گروهی به هنرمندی و نقش‌آفرینی در عرصه‌های هنری می‌اندیشند، گروهی نیز در آرزوی قهرمانی در ورزش، پیوسته می‌کوشند و

فعالیت کلاسی

به نظر شما منشأ این اختلاف‌ها در انتخاب هدف چیست؟

.....
.....
.....

هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشید که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی‌نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکر می‌کند با داشتن شهرت می‌تواند به این نتایج برسد، همه زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت فرار می‌دهد. پس این اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان دارد.

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

با توجه به تفاوت نگاه و اندیشه انسان‌ها، برای اینکه بتوانیم با نگاهی درست، هدف‌های خود را انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک هستیم؛ معیاری که بتوانیم به وسیله آن، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت طلب و استعدادهای متنوع انسان را مشخص کنیم. بدین وسیله، هدف‌های زندگی را به درستی برخواهیم گزید و عمر خود را برای رسیدن به آنها صرف خواهیم کرد.

خدای رحیم و مهریان که از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهای ما آگاه‌تر است، در این مورد مارا هدایت و راهنمایی کرده و معیار انتخاب هدف را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده است.

تدبیر

برای رسیدن به معیارهای انتخاب هدف، در ترجمه آیات تدبیر کنید و با تأمل در آنها و ارتباط دادن آنها به یکدیگر، پیام‌های صفحهٔ بعد را تکمیل کنید و آیاتی را که این پیام‌ها از آنها استخراج می‌شوند، مشخص نمایید.

■ آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم – و به هر کس اراده کنیم – می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود. سوره اسراء، آیه ۱۸

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند و مؤمن باشد، پاداش داده خواهد شد. سوره اسراء، آیه ۱۹

■ ... بعضی از مردم می‌گویند : خداوندا به ما در دنیا نیکی عطا کن. ولی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند. سوره بقره، آیه ۲۰

و بعضی می‌گویند : پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرماده ما را از عذاب آتش نگاه دار. سوره بقره، آیه ۲۱

اینان از کار خود نصیب و بهره‌ای دارند؛ و خداوند سریع الحساب است.

سوره بقره، آیه ۲۰

■ آنچه به شما داده شده، کالای زندگی دنیا و آرایش آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدار‌تر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟ سوره قصص، آیه ۶۰

آیات مرتبط با پیام	پیام
.....	■ برخی از هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخگوی برخی از استعدادهای مادی ما هستند.
.....	■ اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد.
.....	■ اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند
.....	■ برخی هدف‌ها پایان‌نپذیر و همیشگی‌اند و پاسخگوی استعدادهای مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند.
.....	■ اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند و به هدف خود خواهد رسید.
.....	■ هدف‌های پایان‌نپذیر همان هدف‌های اخروی هستند.
.....	■ هدف‌های پایان‌نپذیر همان هدف‌های دنیوی هستند.
.....	■ اصل قرار گرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.
آیه ۱۸ سوره اسراء و ۲۰۰ سوره بقره	■ اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شوند.
نتیجه : برنامه‌ریزی انسان باید دربرگیرندهً اهداف اخروی و اهداف باشد و به گونه‌ای تنظیم شود که اهداف اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی و تابع آنها باشند.	

همان طور که با تدبیر در آیات دیدید، اینجا سخن از هدف‌های اصلی و فرعی است، که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی شوند و از رفتن به سوی کمالات بازدارند. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم و آن قدر سرگرم آنها نباشیم که از زیبایی‌های پایدار باز بمانیم.

- ۱- بعد از دیدن فیلم بیان کنید که چه چیز باعث شد ادورادو آنیلی، فرزند مدیر و مالک کارخانه‌های اتومبیل‌سازی مازراتی، فیات و فراری و صاحب باشگاه یوونتوس به همه این دارایی‌ها پشت کند؟
- ۲- ارتباط این فیلم را با بحث هدف‌های اصلی و فرعی بیان کنید.



با دقت در حالات اطرافیان و شنیده‌هایتان از احوال دیگران، فهرستی از اهداف انسان‌های مختلف تهیه کنید و با توجه به آنچه از فعالیت تدبیر آموختید، آنها را در جدول زیر تفکیک کنید.

اهداف و دلبستگی‌های اصلی	اهداف و دلبستگی‌های فرعی
....._۱_۱
....._۲_۲
....._۳_۳
....._۴_۴
....._۵_۵
....._۶_۶
....._۷_۷
....._۸_۸

۱- فعالیت‌هایی که با علامت (**) مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط برای ارزشیابی مستمر استفاده می‌شوند و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از آنها سؤال طرح شود.

برترین هدف

حتماً این مصريع از شعر زیبای مولوی را شنیده‌ای که می‌گوید:

چون که صد آمد نو هم پیش ماست

این مصريع را به صورت یک ضربالمثل در جایی که یک چیز، جامع و دربردارنده چیزهای دیگر است، استفاده می‌کنند.

برخی هدف‌های زندگی، نیز این گونه‌اند؛ یعنی دربردارنده هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابر با دستیابی به سایر اهداف نیز هست. به میزانی که این گونه هدف‌ها برتر و جامع‌تر باشند، هدف‌های پیشتری را در درون خود جای می‌دهند.

معمول‌آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند».

حال به نظر شما در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟ هدفی که رسیدن به آن مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز باشد؟

با توجه به دو ویژگی «متتنوع بودن استعدادهای انسان» و «بی‌نهایت طلبه او»، اگر هدفی را که انتخاب می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف، کامل‌تر است. بنابراین برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه استعدادهای متتنوع ما را دربرگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی پریار و زیبا تبدیل کند به طوری که سراسر وجود ما را شادابی، بالندگی و شور و نشاط فرا گیرد.

امیر المؤمنین علی علیہ السلام را بینید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر و با تربیت پیامبر اکرم ﷺ آغاز کرد و جلوه‌گاه همه کمالات و زیبایی‌ها شد. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگ‌اوری، سخنوری، مهربانی و دوستی، پهلوانی و جوانمردی، نیاش و عبادت، حق طلبی و عدالت، پس از رسول خدا ﷺ بی‌نظیر است. راستی ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همه این زیبایی‌ها دست یافته است؟

بعد از دیدن این فیلم کوتاه، به سؤال زیر پاسخ دهید:
خدا ما را خلق کرد تا به کجا برسیم؟



* * *

هر کس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمۀ خوبی‌ها و زیبایی‌های است و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. این سرچشمۀ همان خداوند است که خالق همه کمالات و زیبایی‌های است؛ او که خود نامحدود است و کمالات و خوبی‌هایش حد و اندازه ندارد.

هر کمال و خوبی از او سرچشمۀ می‌گیرد و در جهان گستردۀ می‌شود.

پس مقصود و هدف نهایی ما خداوند است. به راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند برترین و اصلی‌ترین هدف ما باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند و زمینه شکوفا شدن استعدادهای متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح انسان بی‌نهایت طلب است و خوبی‌هارا به صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصود نهایی او باشد. البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمۀ زیبایی‌ها و خوبی‌های است و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی خود، هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند و هم از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را در جهت رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند.

من کانْ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

فَعِنَدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد

نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.^۱

البته این هدف، به همان میزان که بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و اراده محکم می‌طلبد؛ همان‌طور که دستیابی به گوهرهای گران قدر دریاها، پشتکاری شگرف می‌خواهد.

ای دوست، شکر بختر یا آن که شکر سازد؟
خوبی قسر بختر، یا آن که قسر سازد؟
ای باغ تویی نوش تریا گلشن و گل در تو؟
یا آن که برآرد گل، صدرگل تر سازد؟
ای عقل تو به باشی در داش و در بیش؟
یا آن که به همه بخط صدق عقل و لطف سازد؟^۲

۱- سوره نساء، آیه ۱۳۴

۲- مولوی، دیوان شمس

به نظر شما برنامه زندگی روزانه من و شما بایستی چگونه تنظیم شود تا بر اساس آیه زیر، تمامی اعمال و زندگی ما برای خدا باشد؟

قل إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي بِكَوْنَامَ، تَمَامِ اعْمَالِمَ وَ زَنْدَگِي وَ مَرْغِ منْ لِلَّهِ رِبِّ الْعَالَمِينَ
برای خداست که پروردگار جهانیان است.



چرا کاریکاتورها خنده دارند؟

حتیماً شما کاریکاتورهای زیادی از اشخاص مختلف دیده‌اید. تفاوت کاریکاتور با تصویر واقعی اشخاص این است که در کاریکاتور، بین اعضای بدن شخص تناسب وجود ندارد. عضوی بسیار کوچک طراحی می‌شود و عضوی بیش از اندازه بزرگ و همین قیافه ناموزون موجب خنده بیننده می‌شود.

روح و روان انسان مانند جسم او دارای اعضاء و بخش‌های گوناگون است. اعضاء روح انسان همان استعدادها و تمایلات درونی اوست. ما برای داشتن یک شخصیت کامل، بایستی در تمام استعدادهای درونی خویش به صورت متناسب رشد کنیم تا مبادا درون ما به دلیل توجه بیش از حد به یک استعداد و غفلت از سایر استعدادهای درونی، حالت کاریکاتوری پیدا کند.

مثلاً فرد دانشمندی را در نظر بگیرید که در زمینه علمی در عالی ترین مرتبه و جایگاه قرار دارد اما هیچ توجهی به دیگران ندارد و از اخلاق خوبی برخوردار نیست. آیا این فرد شخصیت کاریکاتوری ندارد؟ متأسفانه بسیاری از انسان‌ها بیشتر عمر خود را صرف یک استعداد خود می‌کنند و از سایر استعدادها غافل می‌شوند. عده‌ای فقط دغدغه کسب علم دارند، عده‌ای فقط دنبال خوشحال کردن دیگرانند و عده‌ای ...

این در حالی است که موقفيت و رستگاری مانها از طریق رشد متناسب همه استعدادها يمان میسر می شود و این امر وقتی تحقق پیدا می کند که ما در طول زندگی خود در مسیری قدم برداریم که در آن مسیر بتوانیم همه استعدادهای خود را شکوفا کنیم و نقایص و کاستی هایمان را برطرف کنیم. و این مسیر همان مسیر قرب به خداست که جامع و در بردارنده همه خوبی ها و کمالات است؛ زیرا خداوند خود کامل است و همه خوبی هارا در حد کمال خود دارد و کسی که در مسیر نزدیک شدن به او گام بردارد، می تواند رنگ و بوی خدایی بگیرد و همه استعدادهای خود را به صورت متناسب رشد دهد.

صِبَغَةُ اللَّهِ وَ مَنْ أَحَسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبَغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَايِدونَ

رنگ خدایی بپذیرید و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است و

مانها او را عبادت می کنیم.^۱

اندیشه و تحقیق

۱- شعر «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست» چه ارتباطی با موضوع هدف زندگی دارد؟

۲- دلیل بیاورید :

(الف) زیرک ترین افراد این جهان، مؤمنان هستند.

(ب) کسی که هدف اصلی زندگی خود را ثروتمند شدن قرار دهد، دچار خسaran می شود.

۳- شخصی می گوید : «لازمه تقرب به خدا این است که کارهایی مانند کسب مال و ثروت که از امور فرعی هستند، کنار گذاشته شود» با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

۴- حکایت زیر را بخوانید و با توجه به آن به سؤال پاسخ دهید.

«مسافری در سفر خود به یک دو راهی رسید. از پیرمردی که در آنجا نشسته بود پرسید : من از کدام یک از این دو راه باید بروم؟ پیرمرد گفت : قصد داری به کجا بروم؟ مسافر جواب داد : نمی دانم! پیرمرد گفت : وقتی نمی دانی به کجا می خواهی بروم، تفاوتی نمی کند که کدام راه را انتخاب کنی!» به نظر شما این حکایت، با کدام یک از بخش های درس در ارتباط است؟ چرا؟

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۸

با توجه به آیه ۳۷ سوره سباءً بیان کنید که خداوند چه چیز را عامل قرب انسان‌ها به خود می‌داند؟



معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- فلسفه خلقت انسان	عبدالله نصری	کانون اندیشه جوان	معلم
۲- راز آفرینش جهان	ژرژ گاموف	جامی	دانشآموز / معلم
۳- در جست وجوی خدا	جان هاتون	آستان قدس رضوی	دانشآموز / معلم
۴- خدا بود و دیگر هیچ	شهید مصطفی چمران	بنیاد شهید چمران	دانشآموز
۵- نشانه‌هایی از او	سید رضا صدر	بوستان کتاب	معلم





رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلُكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا
 مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الظُّرُفُ
 فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَاهُ فَلَمَّا نَجَّلُكُمْ إِلَى الْبَرِّ
 أَعْرَضْتُمُ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ
 يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرِسِّلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
 ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَ كُمْ فِيهِ
 تَارَةً أُخْرَى فَيُرِسِّلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغَرِّقُكُمْ
 بِمَا كَفَرْتُمُ ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾
 وَلَقَدْ كَرِمَنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
 مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ
 فَمَنْ أُوتَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ
 كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتَيَالًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ
 أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا

ایات درس را با توجه به الکوی قرأت، چهلده جمله بنحو اندیشه و معنی آن دقت کنید.

سوره اسراء، آیات ۶۶ تا ۷۲

پروردگارتن کسی است که کشته را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا
از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره با شما مهربان است. ۶۶

و هنگامی که در دریا زیانی به شما برسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید [و
فراموش] می گردد، اما هنگامی که شمارا به خشکی نجات دهد، روی می گردانید و
انسان، بسیار ناسپاس است! ۶۷

آیا از این ایمن هستید که شما را در کنار خشکی (پس از بیرون شدن از دریا)
در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگ ریزه ها بفرستد، سپس حافظ (و یاوری)
برای خود نیایید؟! ۶۸

یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را به آن [دریا] باز گرداند و تندبادی
شکننده بر شما بفرستد، و شما را به خاطر کفرتان غرق کند، آن گاه کسی را در برابر
ما دادخواه و فربادرس نیاید. ۶۹

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنها را در خشکی و دریا، [بر
مرکب های راهوار] حمل کردیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها
را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری آشکار دادیم. ۷۰

[به یاد آورید] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه
عملشان به دست راستشان داده شود، آن را [باشادی و سرور] می خوانند و به قدر
رشته شکاف هسته خرمابی به آنان ستم نمی شود! ۷۱

و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد
بود. ۷۲

درس ۲۷ پر پرواز*

در درس پیشین دانستیم که جامع‌ترین و اصلی‌ترین هدف زندگی انسان، نزدیکی و تقرب به خداست. رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری او فقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می‌شود. اولین گام برای حرکت انسان در این مسیر، شناخت انسان است؛ یعنی شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای او و چگونگی به کارگیری این سرمایه‌ها و همچنین شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب به خداوند و نحوه مقابله یا دوری از این موانع.

به همین دلیل است که خودشناسی سودمندترین دانش‌ها شمرده شده است.^۱

به راستی خداوند متعال چه جایگاهی برای انسان در نظام هستی قائل است؟
برای گام برداشتن انسان در مسیر تقرب به خدا، چه توانایی‌هایی در وجود او قرار داده است؟
و سرانجام اینکه مهم‌ترین موانع تقرب به خدا و رسیدن انسان به کمالات و زیبایی‌ها چه چیزهایی است؟

* این درس با استفاده از کتاب «انسان در قرآن»، اثر استاد شهید مرتضی مطهری، تدوین شده است.
۱- غرزالحکم، تمیمی آمدی، ح ۹۸۶۵

سرمایه‌های انسان

خداآوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است.^۱ اینها نشان می‌دهد خداوند متعال انسان را گرامی داشته و برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

همچنین، خداوند متعال برای اینکه انسان بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کند و به هدف خلقت یعنی تقویت به خدا دست یابد، سرمایه‌هایی در اختیارش قرار داده است. برخی از این سرمایه‌ها عبارت اند از :

۱- پروردگار، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و ندانی دور شویم.^۲

.....
نام این توانایی چیست؟

تلدیر

با توجه به ترجمه آیات زیر بگویید هر آیه به کدام‌یک از آثار دیگر بهره‌گیری انسان از عقل اشاره دارد؟

■ آنها هنگامی که مردم را به نماز فرا می‌خوانند، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی هستند که تعلق نمی‌کنند.

سورة مائدہ، آیه ۵۸

■ و می‌گویند : اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعلق می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم .
سورة مُلک، آیه ۱۰

۲- خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا با استفاده از سرمایه عقل راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

ما راه را به او نشان دادیم

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس^۳

إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید :

۱- برگرفته از سوره لقمان، آیه ۲۰

۲- برگرفته از سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸

۳- سوره انسان، آیه ۲

۳- او سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در وجود ما قرار داد. از این رو هر کس در خود می‌نگرد و یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌باید و محبتش را در دل احساس می‌کند. امیر مؤمنان علیؑ می‌فرماید :

«هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم».^۱

گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از او و فراموشی یاد او می‌شود، ولی باز که به خود بازمی‌گردیم، او را در کنار خود می‌باییم و می‌گوییم :

دوست نزدیک ترا ز من ب من است
وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من محجورم^۲

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید :

۴- خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد، تا به خیر و نیکی روآوریم و از گناه و زشتی پرهیزیم. از این روست که همهٔ ما فضائلی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دوروبی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

وَنَفِسٌ وَّ مَا سَوَاهَا
سوگند به نفس و آن که ساماوش بخشید
فَآلَهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا
آن گاه بدکاری‌ها و تقوایش را به او الهام کرد.^۳

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید :

۱- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

۲- گلستان سعدی

۳- سوره شمس، آیات ۷ و ۸

۵- گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب می‌شود که در مقابل گناه و رشتی واکنش نشان دهد و آن گاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزش و ملامت کند و در اندیشهٔ جبران آن برآید. قرآن کریم، عامل درونی این حالت را «نفس‌لوامه»، یعنی نفس سرزنشگر، نامیده و به آن سوگند خورده است.

وَ لَا أُقِسِّمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةِ و سوگند به نفس ملامت‌کننده^۱

.....
نام دیگر این عامل درونی را بنویسید :

۶- علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنمای برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند.

سرمایه و هدف

هدف و مسیر حرکت هر کس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. اگر کسی سرمایه‌ای اندک داشته باشد، به کاری کوچک روی می‌آورد. ولی هرچه سرمایه‌این شخص بیشتر شود، هدف‌های بزرگ‌تری را می‌تواند مدنظر قرار دهد و به کارهای ارزشمندتری روآورد.

انسان سرمایه‌های عظیم و ارزشمندی همچون عقل، وجودان و راهنمایان الهی و ... دارد؛ سرمایه‌هایی که حیوانات و گیاهان از آن برخوردار نیستند. از آنجا که ما بیش از حیوانات سرمایه و استعداد داریم، قطعاً هدف و مسیر ما نیز باید متفاوت از آنها باشد. پس چگونه می‌توانیم به کاری که در حد و اندازهٔ حیوانات است، قانع شویم و در همان سطح بمانیم. هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد.

اگر هدف از خلقت ما خوردن، خوابیدن و شهوت‌رانی در این دنیای چندروزه بود، آیا به سرمایه‌هایی همچون عقل و وجودان و پیامبران نیاز داشتیم؟! عقلی که با دوراندیشی، ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند و وجودانی که با محکمه‌اش، ما را از راحت‌طلبی باز می‌دارد. اگر بنا بر خوردن و خوابیدن باشد، حیوانات از ما خوش‌تر زندگی می‌کنند! چون نه عقل دارند که مانع آنان باشد و نه وجودانی که گاه و بیگاه آنان را سرزنش کند.

۱- سورهٔ قیامت، آیه ۲

در جست و جوی گنج

شخصی سال‌هادر جست و جوی گنج بود. روزه‌از مین را می‌کاوید و شب‌ها به زاری از خدا می‌خواست تا در یافتن گنج به او کمک کند تا سر و سامانی به زندگی خویش دهد. تا اینکه یک شب، هاتفی در عالم خواب به او گفت: «من از طرف خدا مأمورم تو را در یافتن گنج کمک کنم. تیر و کمان را بردار و به فلان تپه برو و در نقطه‌ای که می‌گوییم، تیر را در کمان قرار ده. تیر هرجا که افتاد، گنج همان جاست!» مرد با اطلاع خورشید تیر و کمان خود را برداشت و به تپه‌ای که نشانی آن را در خواب گرفته بود رفت. اما هاتف نگفته بود تیر را به کدام سمت پرتاب کند. از همین رو، تیر را به جهت‌های مختلف پرتاب می‌کرد و هرجا تیر می‌افتاد، به کندن آن مشغول می‌شد. ولی هیچ خبری از گنج نبود. اندوه‌گین به گوشۀ مسجدی درآمد و گریه و ناله آغاز کرد که خدای آخر این چه راهنمایی ای بود که به من کردی؟ مدت‌ها کارش گریه و دعا به درگاه الهی بود تا سرانجام آن هاتف بار دیگر به خوابش آمد. مرد شکوه‌کنان به وی گفت: حرف تو غلط از کار درآمد. من نقطه‌ای را که گفتی پیدا کردم، تیر را به کمان کرد و به قوت کشیدم اما ...

هاتف گفت: تو آن گونه که من گفتم، عمل نکردی. گفتم تیر را به کمان بگذار، هرجا افتاد همان جا گنج است، نگفتم به قوت بکش.

مرد گفت راست می‌گویی.

فردا به همان نقطه رفت؛ تیر را به کمان گذاشت. تا تیر را رها کرد؛ پیش پای خودش افتاد. آن گاه بود که فهمید منظور هاتف این بوده که گنجی که سال‌ها به دنبال آن بوده است در درون خودش می‌باشد.

ای کمان و تیرها بر ساخته گنج نزدیک و تو دور انداخته^۱

موانع رسیدن به هدف

خدای متعال، علاوه بر اینکه عوامل رشد و کمال را به ما نشان داده، عوامل سقوط و گناه و دورماندن از هدف را نیز به ما معرفی کرده است.



۱- او به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیاگیری، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد.^۱ میل سرکشی که در درون انسان طغیان می‌کند و وی را به گناه فرامی‌خواند، «نفس امّاره»، یعنی فرمان‌دهنده به بدی‌ها نامیده می‌شود. این عامل درونی همان است که حضرت علی علیه السلام در باره‌اش فرموده است:



«دشمن ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست». ^۲

۲- همچنین، خداوند از عاملی بیرونی خبر می‌دهد که خود را برتر از آدمیان می‌پنداشد و سوگند یاد کرده است که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد.^۳ کار او وسوسه کردن و فریب دادن است و جز این، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه وسوسه می‌دهیم یا راه فریب را بر او می‌بنديم.

همین دشمن، در روز قیامت که فرستی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می‌گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شمارا به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید». ^۴

.....
نام این دشمن چیست؟

۱- سوره یوسف، آیه ۵۲

۲- آعده عَذَّوْكَ نَسْلُكَ الَّتِي تَبَيَّنَ جَنْبَيْكَ (المُحَاجَةُ الْبَيْضَاءُ، فيض کاشانی، ج ۵، ص ۶)

۳- سوره ص، آیه ۸۲

۴- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

با توجه به ترجمه آیات زیر بگوید شیطان از چه راه‌های انسان را فریب می‌دهد؟

■ شیطان می‌خواهد به وسیلهٔ شراب و قمار، در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد...

سورهٔ مائده، آیهٔ ۹۱

■ ... و شیطان، هر کاری را که [گناهکاران] می‌کردند، در نظرشان زینت داد.

سورهٔ انعام، آیهٔ ۴۳

■ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتستان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

سورهٔ محمد، آیهٔ ۲۵

پاسخ سوالات شما

چرا خدا شیطان را آفرید تا انسان‌ها را گمراه کند؟

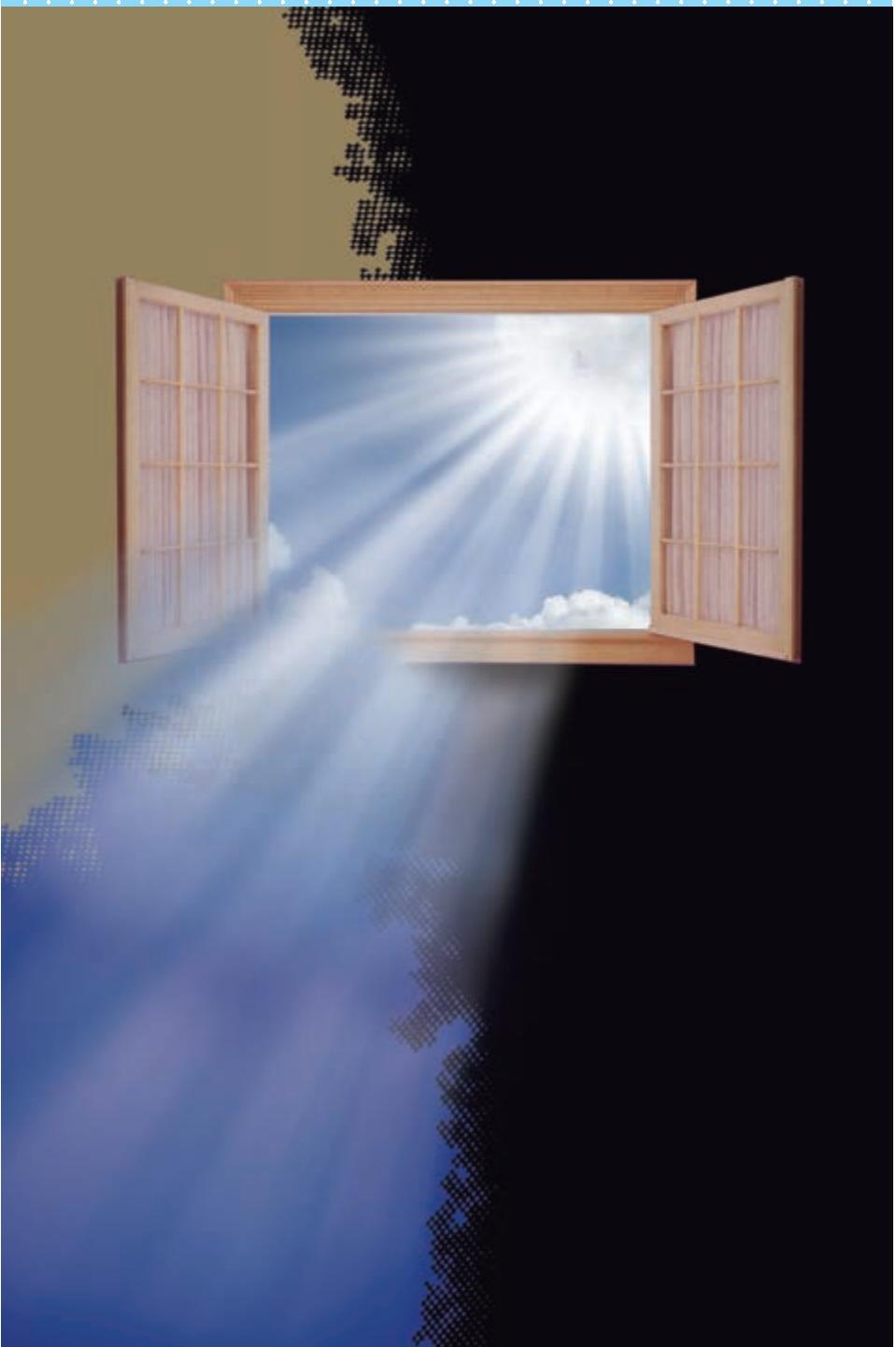
در ابتدا باید بدانیم که خداوند شیطان را شیطان نیافرید! به این دلیل که او هزاران سال هم نشین فرشتگان بود و خدا را عبادت می‌کرد اما در نهایت بنای طغیان و سرکشی گذاشت و مسیر انحراف را برگزید. پس خداوند از همان اول موجودی به عنوان شیطان با درونی پلید و شیطانی نیافریده بود بلکه این خود او بود که از اطاعت خدا اجتناب کرد و راه دیگری برگزید. همچنان که خداوند، از ابتدا فرعون را با صفت فرعونی و ستمگری خلق نکرده بود، بلکه خداوند انسانی آفرید که شایستگی رشد و کمال داشت اما خودش با میل و اختیار خود، راه غلط را برگزید.

نکته دوم اینکه شیطان هیچ کس را وادار و مجبور به گناه نمی کند، بلکه شیطان تنها انسان را دعوت به گناه می کند و انسان می تواند به دعوت شیطان پاسخ نه بدهد و او را ناامید کند. نکته آخر اینکه، علت گناه انسان فقط و فقط شیطان نیست. اگر شیطان هم نبود، نفس اماره نیز انسان را به گناه تشویق می کرد. انسان در کنار ویژگی های فطری که او را به سمت خیر راهنمایی می کنند، دارای غرائز حیوانی نیز هست و اگر زمام خود را به این غرائز دهد، جز به مسائل حیوانی نمی اندیشد. شیطان در این میان فقط به کمک نفس اماره می آید و انسان را به غرق شدن در این غرائز دعوت می کند، اما در پذیرش این دعوت، هیچ اجباری نیست.

اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا وجود شیطان، مانع اختیار و اراده مادر تصمیم گیری ها می شود؟
- ۲- چه رابطه ای میان «توانایی ها و سرمایه ها» و «هدف» وجود دارد؟
- ۳- خداوند، شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد کرد، چون فرمان خدا را برای سجده بر انسان اطاعت نکرد. حال، دیدگاه و احساس خود را نسبت به انسان هایی که حاضر نیستند در برابر خدا سجده کنند و بندگی شیطان را می پذیرند، بیان کنید.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- جوان در کلام نور	مرتضی روحانی	مؤسسه امام خمینی	دانشآموز
۲- مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانشآموز / معلم
۳- به سوی او	محمد تقی مصباح‌بزدی	مؤسسه امام خمینی	دانشآموز / معلم
۴- به سوی خودسازی	محمد تقی مصباح‌بزدی	مؤسسه امام خمینی	دانشآموز / معلم
۵- جوان در چشم و دل پامبر	محمد باقر بورامینی	کانون اندیشه جوان	دانشآموز
۶- انسان‌شناسی قرآنی	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم / دانشآموز





آيات دروس رابنوجيه الکوی فرقان، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٥٠ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ
إِنِّي كَانَ لِي قَرِيبٌ ٥١ يَقُولُ أَئْنَكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ
إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئْنَا لَمَدِينُونَ
قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِّعُونَ ٥٤ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ
قَالَ تَالِلُهُ إِنِّي كِدْتَ لَتُرْدِينَ ٥٦ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي
لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ٥٧ أَفَمَاخَنُ بِمَيِّتِينَ
إِلَّا مَوْتَنَا الْأَوَّلِيٰ وَمَاخَنُ بِمُعَذَّبِينَ ٥٩ إِنَّ هَذَا
لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٦١ لِمِثْلِ هَذَا فَلَيَعْمَلَ الْعَمِلُونَ
أَذْلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ ٦٢ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً
لِلظَّالِمِينَ ٦٣ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصِيلِ الْجَحِيمِ ٦٤ طَلَعُهَا
كَانَهُ رَءُوسُ الشَّيَاطِينِ ٦٥ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ مِنْهَا فَمَا لَهُونَ
مِنْهَا الْبُطُونَ ٦٦ ثُمَّ ارَّتْ لَهُمْ عَلَيْهَا الشَّوَّبًا مِنْ حَمِيمٍ
ثُمَّ ارَّتْ مَرْجَعَهُمْ لِلْجَحِيمِ ٦٨ إِنَّهُمْ أَفْوَا آبَاءُهُمْ
ضَالِّينَ ٦٩ فَهُمْ عَلَى أَثْرِهِمْ يُهَرَّعُونَ ٧٠ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ
أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ٧١ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ٧٣ فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ٧٤ إِلَّا عِبَادُ اللَّهِ الْمُخْلَصُونَ ٧٥

سورة صافات، آیات ۵۰ تا ۷۴

پس برخی [بهشتیان] به برخی روی نموده و از همدیگر پرس و جو می کنند. ۵۰

گوینده ای از آنان می گوید راستی من [در دنیا] همنشینی داشتم. ۵۱

[که به من] می گفت آیا واقعاً تو از باور کنندگانی. ۵۲

ب[اینکه] وقتی مردمیم و خاک و [مشتی] استخوان شدیم آیا واقعاً جزا داده می شویم. ۵۳

[فرد بهشتی] می گوید آیا شما اطلاع دارید [آن همنشین کجاست؟]؟ ۵۴

پس اطلاع می یابد و او را در میان آتش می بیند. ۵۵

[و به او] می گوید به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی. ۵۶

و اگر رحمت پروردگارم نبود هر آینه من [نیز] از احضار شدگان [در آتش] بودم. ۵۷

[و از روی شوق می گوید] آیا دیگر روی مرگ نمی بینیم؟ ۵۸

جز همان مرگ نخستین خود و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. ۵۹

راستی که این همان کامیابی بزرگ است. ۶۰

برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند. ۶۱

آیا این برای پذیرایی بهتر است یا درخت زقوم؟ ۶۲

ما آن را برای ستمگران و سیلۀ عذاب قرار دادیم. ۶۳

آن درختی است که از قعر آتش سوزان می روید. ۶۴

میوه اش گویی چون سرهای شیاطین است. ۶۵

پس [اهل جهنم] حتماً از آن می خورند و شکم ها را از آن بر می کنند. ۶۶

و سپس از روی آن [خوارک]، آبی بی نهایت سوزنده می نوشند. ۶۷

آنگاه بازگشتنشان بی گمان به سوی دوزخ است. ۶۸

آنها پدران خود را گمراه یافتند. ۶۹

پس ایشان به دنبال آنها می شتابند. ۷۰

و قطعاً پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند. ۷۱

و حال آنکه مسلمان دارای شهادت دهنده ای فرستادیم. ۷۲

پس بین فرجام هشدار داده شدگان چگونه بود. ۷۳

به جز بندگان مخلص خدا. ۷۴

درس سوم

پنجره‌ای به روشنایی

در درس قبل، به معرفی برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان برای رسیدن به هدف خلقت پرداختیم. ما برای استفاده از این سرمایه‌ها فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می‌یابد. هر انسانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد و پرونده زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گریزی نیست.

چیستی مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم انسان‌ها را به خود مشغول کرده است و آنان کوشیده‌اند تا به این پرسش‌های اساسی و سرنوشت‌ساز پاسخ دهند:

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می‌شود؟ یا پس از آن زندگی به شکل دیگری ادامه می‌یابد؟ در این درس، علاوه بر شناخت اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در پاسخ به پرسش‌های بالا، به آثار اعتقاد به هر یک از آنها در زندگی می‌پردازیم.

■ دو دیدگاه

هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد و بیرون‌دزندگی چندین ساله‌اش با مرگ بسته می‌شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟ آیا یکباره راهی دیار فنا و نیستی می‌شود؟ اگر چنین است، پس داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد. اما اگر بعد از مرگ، جهان دیگری در کار است و آدمی با مرگ نیست و نابود نمی‌شود، در آنجا چه سرنوشتی خواهد داشت؟ درباره زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد:

۱- اعتقاد به معاد

دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می‌دهد که انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است.^۱ بُعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است و سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود. در مقابل، بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد.

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندازند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشنان‌تر برای روح انسان می‌دانند یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند. در این دیدگاه دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی پس از این دنیا آغاز می‌شود.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید.^۲

از ایشان پرسیدند: با هوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.^۳ در این دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا بوده است و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می‌شود. آن‌گونه که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

مردم [در این دنیا] درخوابند، هنگامی که
بمیرند، بیدار می‌شوند.^۴

آلَّا نُسْيَمُ، فَإِذَا مَاتُوا، إِنْتَبَهُوا

۱- سوره ص، آیات ۷۱ و ۷۲

۲- تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، ص ۴۷

۳- المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ص ۲۴۲

۴- تنبیه الخواطر و تزہة النواظر، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۵

قرآن نیز این گونه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می کند :

وَ مَا هُذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا^١
إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ
وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
لَهِيَ الْحَيَانُ
لَوْكَانُوا يَعْلَمُونَ

این زندگی دنیا،
جز سرگرمی و بازی نیست
وسای آخرت،
زندگی حقیقی است.
اگر می دانستند.^۱

آثار اعتقاد به معاد

۱- با این دیدگاه، پنجه امید و روشنایی به روی انسان باز می شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می گیرد.

قرآن کریم می فرماید :

مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَعَمِلَ صَالِحًا
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲

این شور و نشاط به این دلیل است که انسان می داند هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی پاداش نمی ماند؛ زیرا هر غمی را که از دل غمگینی پاک می کند و هر خدمتی را که به محرومی می کند و هر باری را که از دوش انسانی بر می دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی اگر کسی آن را نبیند یا در آن کار موفق نشود و یا در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، نامید و دلسرد نمی شود، زیرا می داند که خداوند او و تلاش هایش را می بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۴

۲- سوره مائدہ، آیه ۶۹

چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همتی خستگی ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هرچه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۲- انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خدا پرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌سپرند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند. ترسیدن خدا پرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بپاشند.

از طرف دیگر، همین عامل سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز تنگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند؛ از این رو، آن‌گاه که امام حسین علیه السلام در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز تنگ و خواری نمی‌بینم.^۱

امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود نیز فرمود:

مرگ چیزی نیست مگر پلی که شمارا از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدامیک از شما کراحت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟^۲

بیشتر بدانیم

پرواژ عاشقانه

ای خدایی که عشق تو، قلب را به لرزه درمی‌آورد و روح را به پرواژ وای دارد. اینکه پرواژ به سوی تو را برابر گزیده‌ام. بال‌هایم را به واسطه‌ی لیاقت بودنم و به جرم گناهانم نسوزان.

۱- بخار الأنوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۸۱

۲- معانی الأخبار، شیخ صدق، ص ۲۸۸

خدایامی خواهم به ملاقات تو بیايم و به ملاقات رسول تو که روحمند ای او باد. ای یاری کسان، ای دریابنده از خودبی خودش دگان. به خودت قسم که در این جهان دیگر نمی گنجم و منظر رسیدن فرمان تو هستم. به خودت سوگند که در این جهان بدون تو بی کس و تنها و ناامیدم. همه چیز تو، امیدم تو، هستی ام تو، عشق تو. اینک کوله بار پر از گناه خویش را بر دوش می گیرم و در انتظارم تا دعوت خدایم را لبیک گویم. مبادا دعوت نکنی! می خواهم این قلب شکافته شود و پیکرم متلاشی گردد تا روح از این نفس بیرون آید و به سوی تو پروا ز کند. شهادت سرمایه ماست. شهادت پروا ز عاشقان است. شهادت اوج ایمان است.

برگزیده‌ای از دست نوشه‌های شهید سید محمود افتخاری

۲— انکار معاد

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد.

وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاةُ الدُّنْيَا [کافران] گفتند : زندگی و حیاتی جز همین زندگی و
حیات دنیا بی مانیست

نَمُوتُ وَ نَحْيٰنِي همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم

وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ
البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند
بلکه فقط ظن و خیال آنان است.^۱ وَ مَا لَهُمْ بِذِلِّكَ مِنِ عِلْمٍ
إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُونَ

آثار انکار معاد

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند.

روشن است که این شیوه، عاقبیتی جز فرو رفتن در گرداب الودگی‌ها نخواهد داشت. اما گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود ببرون برانند، همین زندگی چندروزه نیز برایشان بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و نامیدی دچار می‌شوند و شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهند؛ از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع ییماری‌های روحی دچار می‌شوند. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید.

البته این آثار و پیامدها، گربیان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرورفتان در هوس‌ها، دنیا را معبد و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.



فعالیت کلاسی

- ۱- آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوه درستی را انتخاب کرده‌اند؟
چرا؟
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.

غفلت از زندگی پس از مرگ چه آثار و نتایجی در دنیای امروز داشته است؟ امروزه در میان برخی جوامع، بهویژه در برخی جوامع صنعتی، اعتقاد به زندگی در جهان دیگر، ضعیف شده است یا از آن غافل مانده‌اند و کمتر بدان توجه می‌شود. این غفلت و کم توجهی، آثار و نتایج خطرناکی در زندگی آنان دارد؛ به‌طوری‌که خیرخواهان و دلسوزان آن جوامع را به چاره‌اندیشی واداشته است.

از جمله این آثار می‌توان به آمار بالای مصرف مشروبات الکلی، قرص‌های روان‌گردان و مواد مخدر صنعتی اشاره کرد که می‌توان آنها را از آثار بی‌توجهی به آخرت دانست.

جرج گوما^۱، پژوهشگر آمریکایی حوزه روان‌شناسی می‌گوید : «مصرف داروهای ضد روان‌پریشی مدتی است در آمریکا از داروهای درمان کلسترول که پرمصرف‌ترین دارو در آمریکاست، سبقت گرفته است».^۲

مارسیا انجل،^۳ سردبیر اسبق مجله پژوهشی نیوانگلند بر این باور است که استفاده از داروهای روان‌گردان به حد انفجار رسیده است.^۴

این در حالی است که امکانات برای تفریح، سرگرمی و شادی، بیش از نیاز افراد در این کشورها وجود دارد و مردم در اوقات فراغت انواع و اقسام سرگرمی‌ها و تفریحات را در اختیار دارند. این وضعیت به کشورهای مسلمان نیز سراست که آن بخش از جوامع مسلمان که اعتقاد دینی در آنها ضعیف شده است و سبک زندگی جوامع صنعتی را انتخاب کرده‌اند، بیشتر به این گونه مواد مخدر روی می‌آورند.

از دیگر آثار غفلت از آخرت در دوره جدید، حرص و آز در مصرف برای لذت بردن از زندگی دنیایی و فراموش کردن یاد مرگ است. کمپانی‌های بزرگ محصولات غذایی که هر روز سبک جدیدی از محصولات غذایی را عرضه می‌کنند و یا انواع مدل‌های لباس، گوشی‌های همراه و اتومبیل که هر روز به بازار می‌آیند، همه برای پاسخ‌گویی به مصرف‌گرایی شدید این قبیل انسان‌هاست.

۱– Greg Guma

۲– این مطلب در مقاله‌وی با عنوان «Mind Games: Cyberspace and Psychiatric Drugs» ذکر شده است.

۳– Marcia Angell

۴– 'the epidemic of mental illness: why', the New York Review of books, June 23, 2011.

حجم مصرف از ذخایر و منابع زمین در صد سال اخیر برابر با تمام طول عمر بشر بوده است. قرآن کریم، سرنوشت چنین کسانی را که مرگ و زندگی برتر را فراموش کرده‌اند، این‌گونه ترسیم می‌کند: «آنان که دین خود را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت. پس امروز آنان را از یاد ببریم. همان طور که آنان دیدار امروزشان را از یاد برداشتند و آیات ما را انکار می‌کردند».^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا برخی از افراد با اینکه می‌گویند آخرت را قبول دارند، در زندگی خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟
- ۲- آیا توجه به آخرت، لزوماً^۲ توجهی به دنیا و عقب ماندگی را در بی دارد؟
- ۳- چرا منکرین معاد، مرگ را باعث نابودی آدمی می‌دانند؟ شما چه پاسخی به آنها می‌دهید؟

پیشنهاد

به آثار و زندگی یکی از شهدای دفاع مقدس و یا مدافعان حرم مراجعه کنید و ببینید که آنان درباره زندگی و مرگ چگونه می‌اندیشیدند. انگیزه شهادت طلبی آنها چه بوده است؟^۳

۱- سوره اعراف، آیه ۵۱

۲- مطالعه کتاب‌هایی مانند «مجموعه قصه فرماندهان» از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و «خدا بود و دیگر هیچ نبود» اثر دکتر مصطفی چمران، برای آشنایی با شهدای دفاع مقدس و همچنین مطالعه کتاب‌های «تبیه خودش»، «دیدار پس از غروب»، «مدافعان حرم» و «خداحافظ سالار» برای آشنایی با شهدای دفاع حرم پیشنهاد می‌شود.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱— مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (زندگی جاودی یا حیات اخروی)	شهید مرتضی مطهری	صدراء	دانشآموز / معلم
۲— معاد یا بازگشت به سوی خدا	محمد شجاعی	شرکت سهامی انتشار	دانشآموز / معلم
۳— عروج روح	محمد شجاعی	کانون اندیشهٔ جوان	دانشآموز
۴— مرگ	سید یحییٰ بشری	کانون اندیشهٔ جوان	دانشآموز / معلم





آیات درس را با توجه به الگوی قرأت، جمله به جمله بخوانید و معنای آن دقت کنید.

الَّمْ تَرَى إِلَى الَّذِي حَاجَ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ أَتَلَهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحِيٌّ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا
أُحِيٌّ وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ
مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَتَتْ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبِهِتَ الَّذِي كَفَرَ
وَاللَّهُ لَا يَهِدِي الْقَوْمَ الظَّلْمِينَ (٢٥) أَوَ كَلَّذِي مَرَّ عَلَى قَرِيَةٍ
وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنِّي يُحِيٌّ هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا
فَامَّا تَهُمْ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا
أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ
وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهُ وَانظُرْ إِلَى جِهَارِكَ وَلَنْ جَعَلَكَ آيَةً
لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ تُنْشِرُهَا ثُمَّ تُكْسُوهَا الْحَمَّا
فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٦)
وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي كَيْفَ تُحِيِّ الموتى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ
قَالَ بَلِي وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ
فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزَءًا
ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنَكَ سَعِيًّا وَاعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٧)

سورة بقره، آیات ۲۵۸ تا ۲۶۰

آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و به آن مغور شده بود و] با ابراهیم درباره پروردگارش چون و چرا می کرد، خبر نیافتنی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند. [نمود] گفت: من [هم] زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق بر می آورد، تو آن را از مغرب بر آور. پس آن کس که کفر ورزیده بود، مبهوت ماند و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. **۲۵۸**

يا چون آن کس که به شهری که بام‌هایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ [و با خود] گفت: چگونه خداوند [أهل] این [ویران کده] را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، [و به او] گفت: چه مدت در اینجا بوده‌ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. [خداوند] گفت: [نه] بلکه صد سال در اینجا بودی؛ به خوارک و نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تعقیب نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن. و [این اتفاق برای این است که] تو را [برای اثبات معاد] نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان‌ها بنگر، چگونه آنها را به هم پیوند می دهیم؛ سپس گوشت بر آن می پوشانیم. پس هنگامی که [چگونگی زنده ساختن مرده توسط خداوند] بر او آشکار شد، گفت: می دانم که خداوند بر هر کاری تواناست. **۲۵۹**

و [یاد کن] آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ [خداوند] فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ [ابراهیم] گفت: چرا، ولی [می خواهم ببینم] تا دلم آرام گیرد. [خداوند] فرمود: پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است. **۲۶۰**

درس‌یحیی‌ها

آینده روشن

در درس قبل با دیدگاه پیامبران و مؤمنان درباره مرگ و آینده انسان آشنا شدیم. پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر در جهان آخرت می‌دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند.

در مقابل دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، گروهی به آن ایمان آورده و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده‌اند.

پیامبران الهی، نه تنها امکان وجود جهان دیگر را اثبات می‌کردند، بلکه با استدلال‌های مختلف وجود آن را ضروری می‌دانستند.

به راستی پیامبران الهی، با چه دلایلی امکان معاد را اثبات می‌کردند؟
با چه استدلال‌هایی ضرورت معاد را تبیین می‌نمودند؟

■ اهمیت و ضرورت بحث از معاد

قبل از اینکه به بحث درباره جهان پس از مرگ پردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی پردازیم که برای زندگی ما مفید باشد؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

دفع خطر احتمالی

نگاهی کوتاه به زندگی روزمره انسان‌ها نشان می‌دهد که انسان در موقعی که احتمال خطر یا خسارتخانه در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگردید. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، که در شرایط عادی گفته ای او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است».

حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی ترین خبرهایست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست.

پیامبران عاقل‌ترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. به عنوان مثال پیامبر اکرم ﷺ حتی مشرکین و کافرین نیز به عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همه آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است.

اگر به فرض در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پنیریم، چگونه می‌توانیم وقته که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی‌توجهی از کنار این خبر بگذریم؟ قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
لَيَجْعَلَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا
وَمَنْ كَسِيَ رَاسْتَكُورْ ازْ خَدَاست؟
شکی در آن نیست
قطعاً شمارا در روز قیامت جمع می‌کند

بنابراین، سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است، زیرا معاد بخشی قطعی از زندگی آینده ماست، زندگی‌ای که برخلاف زندگانی دنیا که کوتاه و گذراست، جاوده و ابدی خواهد بود.

مثالی گویت ظاهر، میندیش
کسی را هست جامی پر عمل پیش
اگر طفل بدو گوید بیارام
که زیر این عمل زهر است در جام
پوز طفل آن سخن دارد شنیده
بلا شک دست از آن دارد کشیده
تو را چندین پیغمبر کرده آگاه
که خواهد بود کاری صعب بر راه
به گفت طفل بختی راه پرهیز
به گفت انسیا از خواب برخیز

فعالیت کلاسی

برخی از افرادی که پاییندی چندانی به رعایت احکام دین ندارند، می‌گویند: «ما به وجود این مجازات‌هایی که گفته می‌شود در قیامت و جهنم هست، اعتقادی نداریم».

شما به این‌گونه افراد چه پاسخی می‌دهید؟

* * *

با توجه به اهمیت بحث معاد، قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده، بلکه بارها با دلیل و برهان آن را ثابت کرده است. دلایل قرآن در این زمینه را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می‌کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می‌دهند و دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می‌رسانند و تحقق آن را لازم می‌دانند.

الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند:

یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای معاد را انکار کنند، این است که چنان واقعه بزرگ و باعظمی را با قدرت محدود خود می‌سنجدند و هنگامی که تتحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می‌بینند، به انکار آن می‌پردازند. حال آنکه بعد از چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. از این‌رو، قرآن یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می‌کند و دلایل و شواهد زیادی می‌آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند:

۱- آفرینش نخستین انسان: در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین

انسان جلب می‌کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می‌دهد. در این آیات بیان می‌شود که همان‌گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می‌تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.
و برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آنها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی داناست». ۱

۲—**بیان نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان:** قرآن برای اینکه قدرت خدا را به صورت محسوس تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آنها به اراده خداوند مردگانی زنده شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ماجراهای عزیر نبی ﷺ اشاره کرد:

عزیر ﷺ یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. او در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می‌کرد. استخوان‌های متلاشی و پوسیده ساکنان آن روستا از لابهای خرابه‌ها پیدا بود. با دیدن این استخوان‌ها این سؤال در ذهن عزیر ﷺ شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد. سپس خطاب به او گفت:
ای عزیر، چه مدت در این بیابان توقف کرده‌ای؟
عزیر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی. به الاغی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و بین چگونه الاغ پوسیده و متلاشی شده؛ اما غذایت پس از صد سال سالم مانده و فاسد نشده است و اینک بین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شده الاغ را دوباره جمع‌آوری و زنده می‌کند.
عزیر ﷺ به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: می‌دانم که خدا بر هر کاری تواناست. ۲

تبدیل

خداوند در آیات سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند، می‌گوید:
«نه تنها استخوان‌های آنها را به حالت اول در می‌آوریم، بلکه سرانگشتان آنها را نیز همان‌گونه که بوده، مجددًاً خلق می‌کنیم».

به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سرانگشتان اشاره می‌کند؟

۱— سوره نیس، آیات ۷۸ و ۷۹
۲— سوره بقره، آیه ۲۵۹



۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت: در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

«خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برآئیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین گونه است». ۱

ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند :

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت اند از :

۱- **معاد لازمه حکمت الهی** : خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبیث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در درون انسان قرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم. حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هایست و این خواستن هیچ حدی ندارد.

اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوده را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می‌کند! آیا این کار با حکمت خداوند سازگار است؟!

علاوه بر این، اگر بناسنست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و

۱- سوره فاطر، آیه ۹

سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس آفرینش انسان و جهان، بی‌هدف و عبث نخواهد بود؟

أَفَحَسِبُتُمْ أَنَّمَا حَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ^۱

۲— معاد لازمه عدل الهی : عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی دهد؛ از این‌رو، خداوند وعده داده است که هرکس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد؛ زیرا :

(الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرومی‌بنند.

(ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد. به عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ عنوان با جرم شهید کردن صد هزار انسان بی‌گناه، و معلول و شیعیانی کردن هزاران جانباز برابری نمی‌کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

آیا ما آنها را که ایمان آورده

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا

و کارهای شایسته انجام داده‌اند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

با مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟

كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟^۲

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَارِ

۱— سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵

۲— سوره ص، آیه ۲۸

با اندیشه در ترجمه آیات زیر، برخی دیگر از دلایل انکار معاد را بیان کید.

■ آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغدور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می کردند و می گفتند : «هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»
سورة واقعه، آیات ۴۵-۴۷

■ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، همانها که روز جزا را انکار می کنند. تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گناهکار است.

سورة مطففين، آیات ۱۰-۱۲

■ (انسان در وجود معاد شک ندارد) بلکه [علت انکارش این است که] او می خواهد [بدون ترس از دادگاه قیامت] در تمام عمر گناه کند.

سورة قیامت، آیه ۵

.....
.....
.....

پاسخ سوالات شما

کی رفته و کی برگشته؟!

برای برخی هرقدر هم از دلایل عقلی اثبات معاد، آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین در خصوص جهان آخرت گفته شود، می گویند : «چه کسی از آن جهان برگشته که خبر آورده باشد؟»
به این گونه افراد چه باید گفت؟

پاسخ : برخی رانندگان هنگام مسافرت، به توصیه پلیس درباره خطرات جاده و لزوم همراه داشتن وسایل ضروری توجه می کنند و وسایلی را که احتمال می دهند در جاده مورد نیازشان

باشد، همراه خود برمی‌دارند (مانند زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار و...). بعضی از رانندگان نیز بی‌اعتنای به توصیه‌های پلیس و گاه با تمسخر آنها به جاده می‌زنند. در هر صورت یا نیازی به این وسائل پیش می‌آید یا پیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود (که البته با توجه به علم و آگاهی پلیس راهنمایی و رانندگی و توصیه‌ها و هشدارهای آنان قطعاً نیاز خواهد شد)، راننده‌ای که این وسائل را همراه داشته است، ضرری نکرده است؛ اما اگر به آن وسائل نیاز شد، کسی که آنها را برنداشته است، در وسط جاده چه خواهد کرد؟

شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث، حتی اگر احتمال کمی برای رخ دادن آن وجود داشته باشد، پیش‌بینی لازم را بکند، چه رسد به حوادثی که یقینی باشند.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خبرهایی داده‌اند و بر این اساس برنامه و دستوراتی نیز برای عبور آسان و موفق از این جهان در اختیار ما گذاشته‌اند. گروهی این خبرها را پذیرفته و گروهی منکر شده‌اند. کسانی که پذیرفته‌اند در شبانه‌روز دقایقی با خدا گفت‌وگو می‌کنند؛ نماز می‌خوانند؛ در سال یک ماه روزه می‌گیرند؛ از انجام برخی کارها که ضرر شن به خود انسان برمی‌گردد (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک و مصرف مواد مخدر) خودداری می‌کنند. حال بر فرض که قیامت و حساب و کتابی در کار نباشد، این افراد ضرری نکرده‌اند و چیزی را از دست نداده‌اند؛ اما اگر حساب و کتابی باشد (که با دلایلی که ذکر شد، حتی است) افرادی که به سخن خدا و پیام انبیا توجه نکردند، چه خواهند کرد؛ آنها زندگانی ابدی و جاوید در آخرت را به هفتاد سال عمر دنیوی فروخته‌اند.

پس عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد، خود را آماده آخرت کند و هشدارهای انبیا را جدی بگیرد.

امام رضا علیه السلام در گفت‌وگو با یکی از منکران معاد به او فرمود: «اگر نظر شما درست باشد – که چنین نیست – در این صورت ما و شما یکسان و برابریم؛ و نماز، روزه، عقیده و ایمان ما ضرر و زیانی به ما نمی‌رساند. ولی اگر حق با ما باشد – که چنین هست – در این صورت ما رستگار و سعادتمند می‌شویم؛ اما شما زیان کار شده، هلاک خواهید شد». ^۱

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
- ۲- اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پامبران نداشتید، آیا آن را می بذیرفتید؟ به چه دلیل؟
- ۳- رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه‌های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت وجود معاد» را توضیح دهید.

بیشتر بدانیم



نصیحتی از حضرت علی علیهم السلام

آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوها یید
که مرگ را در بی دارد؛ پس هر کس در ایام
آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو
انجام دهد، بهره‌مند خواهد شد، و مرگ او
را زیانی نمی‌رساند و آن کس که در روزهای
آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی
کند، زیان کار و مرگ او زیان بار است.
همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای

خدا عمل می‌کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید.

آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند
آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، خطبه ۲۸

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنچی	مدرسه	معلم
معاد	شهید مرتضی مطهری	صدر	دانشآموز / معلم





آیات درس را با توجه به الگوی قرائت، به مدل بدینه بخوانید و معنای آن دقت کنید.

ادفع بالّتی هی أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصْفُونَ ٩٧
 وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَتِ الشَّيْطَانِ ٩٨ وَأَعُوذُ بِكَ
 رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ ٩٩ حَتَّیٌ إِذَا جَاءَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ
 قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ١٠٠ لَعَلَّى أَعْمَلُ صَلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كُلًّا
 إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ فَقَائِلُهَا وَمِنْ وَرَاهِيمٍ بَرَزَ إِلَى يَوْمِ يُبَعَثُونَ ١٠١
 فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
 فَمَنْ شَقَّلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٠٢ وَمَنْ
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 خَلِيدُونَ ١٠٣ تَلَفَّعُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَلِحُونَ
 أَمَّ تَكُنْ آيٰتِي تُسْلِي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٤ قَالَ الْوَارِبُونَا
 غَلَبَتْ عَلَيْنَا شَقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ١٠٥ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا
 فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَلَمُونَ ١٠٦ قَالَ اخْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ
 إِنَّهُ كَاتَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا أَمْنَا ١٠٧
 فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحْمَنِينَ ١٠٨ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ
 سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحَّكُونَ ١٠٩
 إِنِّي جَزِيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ١١٠

سورة مؤمنون، آيات ۹۶ تا ۱۱۱

بَدِي را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم. **۹۶**
 و بگو پروردگارم! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. **۹۷**
 و پروردگارم! از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم. **۹۸**
 تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارم! مرا بازگردانید. **۹۹**
 شاید من در آنچه وانهادام کار نیکی انجام دهم. [به او گفته می‌شود] هرگز.
 این سخنی است که او [به زبان] می‌گوید و به دنبال [این زندگی] آنان بزرخی است
 تاروزی که برانگیخته شوند. **۱۰۰**
 پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خوشابونی وجود ندارد
 و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. **۱۰۱**
 پس کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سنگین باشد آنان رستگارانند. **۱۰۲**
 و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد اینان کسانی هستند که [سرمایه‌های]
 خود را از دست داده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. **۱۰۳**
 آش، چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش رویند. **۱۰۴**
 [خداؤند به آنها می‌گوید] آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن را تکذیب
 می‌کردید؟ **۱۰۵**
 می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد. زیرا، گروهی گمراه بودیم. **۱۰۶**
 پروردگارا! مرا از اینجا بیرون بیرو اگر باز هم بدی کردیم، در آن صورت ستمکار
 خواهیم بود. **۱۰۷**
 خدا می‌فرماید: [یادلت و خواری] بروید در آن دور شوید و بامن سخن نگویید. **۱۰۸**
 در حقیقت دسته‌ای از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. ما را
 بیخش و به مارحم کن که تو مهربان ترینی. **۱۰۹**
 و شما آن مؤمنان را به ریشخند گرفتید تا با این کار یاد مرا از خاطرتان بردید و شما
 بر آنان می‌خندیدید. **۱۱۰**
 من هم امروز به پاس آنکه آنان صیر کردند، به آنان پاداش دادم. آری آنان همان
 رستگارانند. **۱۱۱**



درست‌چشم

منزلگاه بعد

زمانی که مجاهدی در راه خدا به شهادت می‌رسد یا مادری پس از تربیت فرزندان شایسته، چشم از دنیا فرو می‌بندد یا پدری پس از سال‌ها تلاش و کوشش در بستر بیماری جان می‌سپرد و به طور کلی وقتی انسان‌ها می‌میرند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟
آیا ارتباطشان کاملاً با دنیا قطع می‌شود؟
آیا به صورت مستقیم وارد جهان آخرت می‌شوند؟
یا آنکه

مرحله‌ای دیگر را پیش رو خواهند داشت؟
اگر چنین است، آن مرحله چه نام دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه رابطه‌ای میان دنیا و آن مرحله وجود دارد؟

عالی بُرْزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. بُرْزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم بُرْزخ میان زندگی دنیاگی و حیات اخروی قرار گرفته است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متالم می‌گردند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ
فَالْأَرْجَاعُونَ
لَعَلَّ أَعْمَلُ صَالِحًا
فِيمَا تَرَكَثُ
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا
وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ
إِلَى يَوْمِ يُبَعَثُونَ

آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد
می‌گوید : پروردگارا! مرا بازگردانید
باشد که عمل صالح انجام دهم؛
آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام
هرگز! این سخنی است که او می‌گوید
و پیش‌روی آنها بُرْزخ و فاصله‌ای است
تا روزی که برانگیخته می‌شوند.^۱

■ ویژگی‌های عالم بُرْزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح است، « توفیٰ » می‌کنند.^۲ یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد.

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در بُرْزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های بُرْزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات، برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم بُرْزخ عبارت است از :

۱- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰

۲- برگرفته از سوره نساء، آیه ۹۷ و سوره انعام، آیه ۶۱

الف) گفت و گوی فرشتگان با انسان : به عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین معرفی می کنند.^۱ این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در بروز خ است.

(ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر : در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتهگان را این گونه مورد خطاب قرار داد : «آنچه بپروردگارمان به ما و عده داده بود، حق یافتم؛ آیا شما نیز آنچه بپروردگارتان و عده داده بود، حق یافید؟».

اصحاب گفتند : «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می گویی در حالی که مرده اند؟!». حضرت فرمود : «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنوایتند و فقط نمی توانند پاسخ دهند».^۲

۳— وجود ارتباط میان عالم بزرخ و دنیا :

با مرگ انسان و ورود وی به عالم بزرخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی شود. برخی از نشانه های تداوم این ارتباط عبارت است از :

الف) بسته نشدن پرونده اعمال : پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يَنْبَئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
در آن روز [قيامت] به انسان خبر داده می شود
بِمَا قَدَّمَ وَ أَخْرَى
به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از
مرگ] فرستاده است.^۳

همان گونه که قرآن کریم می فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از مرگ ما نیز بازمی ماند (آثار متأخر)؛ به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموخت دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران

۱— کسانی که فرشتگان (قض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند : «شما در چه حالی بودید؟» گفتند : «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم». فرشتگان گفتند : «مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند. سوره نساء، آیه ۹۷

۲— محجة البيضاء، فيض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶
۳— سوره قیامت، آیه ۱۳

خوانده می‌شود و آموزش‌های وی به دیگران منتقل می‌شود یا از آن استفاده می‌شود، در پرونده عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز برعذاب وی افزوده می‌شود. مدسازی‌های غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید : هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند. ۱

فعالیت کلاسی

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

.....

.....

بیشتر بدانیم



دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟ هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده،

انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب، ولذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌های برای کامل شدن‌شان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در بی‌داشته باشند!

جالب است که تک تک من و شما در این دو مینو، شرکت داریم.
دومینوی که آن را «copy and paste» یا «forward» می‌نامند و با «send» نقش ما در آن پایان می‌یابد.

هر چند نقش پایان می‌یابد؛ اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از ما.

ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان : اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و اتفاق برای آنان، در عالم بزرخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده : شخصی از امام کاظم علیه السلام درباره وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید : «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»
فرمود : آری

پرسید : چقدر؟

فرمود : «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه». ^۱

تدریج

با دقت در ترجمه آیات زیر بگویید هر یک از آیات به کدام یک از ویژگی‌های عالم بزرخ اشاره دارند؟

■ فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند در حالی که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند : شما در [دنس] چگونه بودید؟ گفتند : ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند : مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟ ...

سوره نساء، آیه ۹۷

■ آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند : «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به حاطر اعمالی که انجام دادید.»

سوره نحل، آیه ۳۲

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی‌جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این‌رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهانی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود.

پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.^۱

اندیشه و تحقیق

۱- منظور از کلمه «تَوْفِيقٌ» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟

۲- هریک از موارد زیر به کدام‌یک از ویژگی‌های برزخ اشاره دارد؟

الف) تلقین میت به هنگام دفن

ب) انجام خیرات و طلب آمرزش برای گذشتگان

ج) زیارت قبور در گذشتگان



آرم روبه رو مربوط به کدام یک از مؤسسات است؟
ارتباط آن را با بحث اعمال ماقنّدم و متأخرّ بیان کنید.



بیشتر بدانیم

سخن گفتن حضرت علی علیہ السلام با مردگان!

حضرت علی علیہ السلام در راه بازگشت از جنگ صفين به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، روبه سوی قبرها کردند و فرمودند:

«... ای آرمیدگان در خانه‌های هراسناک، ای اهل غربت و تنهايی، ای فورفتگان در وحشت، شما در رفتن بر ما پیشی گرفتید و ما از بی شما می آییم و به شما ملحق می شویم؛ اما خانه‌هایی از خود به جای گذاشتید که پس از شما در آن مسکن گزیدند؛ همسرانتان ازدواج کردند و اموالتان میان وارثان تقسیم شد. اینها خبرهای بود که ما داشتیم، شما چه خبری برای ما دارید؟»

سپس به یاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می شد، خبر می دادند و می گفتند: یقیناً بهترین توشه [برای ابدیت] تقواست.

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
حیات پس از مرگ	علامه محمدحسین طباطبائی	دفتر انتشارات اسلامی	علم





آيات درس راتوجه بالكتاب، بهمله به جعله بغير ابهة وبمعنى أن دقت كثيرة.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِذَا الشَّمْسُ كَوَرَتْ ١ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ٢
 وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ٣ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ٤
 وَإِذَا الْوُحْشُ حُشِّرَتْ ٥ وَإِذَا الْبَحَارُ سُجَّرَتْ ٦
 وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ٧ وَإِذَا الْمَوْعِدَةُ سُيَّلَتْ ٨
 بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِّلَتْ ٩ وَإِذَا الصُّحْفُ نُشِّرَتْ ١٠
 وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِّطَتْ ١١ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ١٢
 وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلَفَتْ ١٣ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ١٤
 فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ١٥ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ١٦ وَاللَّيلُ
 إِذَا عَسَسَ ١٧ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ١٨ إِنَّهُ لِقَوْلِ
 رَسُولِ كَرِيمٍ ١٩ ذِي قُوَّةٍ عِنْدِ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ٢٠
 مُطَاعِ شَمَّامِينٍ ٢١ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ٢٢ وَلَقَدْ
 رَأَهُ بِالْأَقْوَى الْمُبَيِّنِ ٢٣ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيِّ بِضَنِينٍ ٢٤
 وَمَا هُوَ بِقُولِ شَيْطَنِ رَجِيمٍ ٢٥ فَإِنَّ تَذَهَّبُونَ
 إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعُلَمَائِ ٢٦ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ
 وَمَا شَاءَ وَنَ ٢٧ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعُلَمَائِ ٢٨

سوره تکویر

به نام خداوند رحمت‌گر مهریان
 آنگاه که خورشید به هم دریچد. ۱
 و آنگاه که ستارگان تیره شوند. ۲
 و آنگاه که کوه‌ها حرکت داده شوند. ۳
 و آنگاه که شتران ماده [به هنگام زادن] و انهاشد شوند. ۴
 و آنگاه که حیوانات وحشی گرد آورده شوند. ۵
 و آنگاه که دریاها جوش آورده شوند. ۶
 و آنگاه که افراد با هم جنس خود قرین شوند. ۷
 و هنگامی که از دختران زنده به گور شده بپرسند. ۸
 به کدامین گاه کشته شدند. ۹
 و آنگاه که نامه‌های اعمال باز شوند. ۱۰
 و آنگاه که آسمان از جا کنده شود. ۱۱
 و آنگاه که جهنم برافروخته شود. ۱۲
 و آنگاه که بهشت نزدیک شود. ۱۳
 هر کسی بی بیرد چه فراهم کرده است. ۱۴
 سوگند می‌خورم به آن ستارگان غایب شونده [به هنگام روز]: ۱۵
 همان روندگان پنهان شونده، ۱۶ سوگند به شب چون پشت کند. ۱۷
 سوگند به صبح چون بددم. ۱۸
 که [قرآن] سخن فرستاده‌ای بزرگوار است. ۱۹
 نیرومندی [که] نزد صاحب عرش، مقامی بلند دارد. ۲۰
 در آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است. ۲۱
 و همنشین شما [محمد] دیوانه نیست. ۲۲
 و قطعاً آن [فرسته وحی] را در افق درخشنان دیده. ۲۳
 و او در امر غیب بخلن نیست. ۲۴
 و [قرآن] سخن شیطان رانده شده نیست. ۲۵
 پس به کجا می‌روید. ۲۶
 این [قرآن] چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست. ۲۷
 برای هر یک از شما که بخواهد به راه راست برود. ۲۸
 و تا خدا، پروردگار جهان‌ها، نخواهد، شما نیز نخواهید خواست. ۲۹

دروس ششم واقعه بزرگ

همه در حال و هوای خویش‌اند؛ کودک، جوان، پیر؛ که ناگهان اتفاق می‌افتد؛
آنچه وعده‌اش داده شده بود،
آنچه وقوعش حتمی و زمانش نامعلوم بود و ما آن را دور می‌پنداشتیم.
قیامت اتفاق می‌افتد تا آغازی باشد بر حیات ابدی انسان.
روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را فراموش می‌کند. مردم از هیبت آن روز همچون
افراد مست به نظر می‌رسند؛ در حالی که مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است.^۱
و تنها نیکو کاران اند که از وحشت این روز در امان اند.^۲
اما این واقعه با چه حوالشی همراه است؟ چه مراحلی دارد؟

۱- سوره حج، آیه ۲

۲- سوره نمل، آیه ۸۹

پایان این جهان با بریابی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.



■ الف) مرحله اول قیامت

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

۱- شنیده شدن صدای مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرامی‌گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفح صور یاد می‌کند.^۱

۲- مرگ اهل آسمان‌ها و زمین: همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند^۲ و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود.

۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌بیچد و بی نور و تاریک می‌شود.^۳ آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک باره تیره می‌شوند،^۴ زمین به شدت به لرزه در می‌آید^۵ و خرد می‌شود،^۶ کوه‌ها سخت در هم کوییده شده^۷ و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.^۸

در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درآیند **یوم ترجُّف الأرضِ وَ الْجَبَلِ**

وَ كَائِتِ الْجِبَالِ كَثِيَّاً مَهِيَّاً
و کوه‌ها (چنان در هم کوییده شوند که) به صورت توده‌هایی از شن نرم درآیند.^۹

دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند^{۱۰} و از درون آنها آتش زبانه می‌کشد.^{۱۱} این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.^{۱۲}

■ ب) مرحله دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر شوند.

۱- زنده شدن همه انسان‌ها: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌بیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود.^{۱۳} با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند. در

۱- سوره زمر، آیه ۶۸ ۲- سوره زمر، آیه ۶۸

۳- بنابر روایات، پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استثنای شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبایی، ص ۹۳)

۴- سوره تکویر، آیه ۱ ۵- سوره تکویر، آیه ۲

۶- سوره واقعه، آیه ۴ ۷- سوره فجر، آیه ۲۱

۸- سوره حلقه، آیه ۸ ۹- سوره واقعه، آیات ۵ و ۶

۱۰- سوره مزمل، آیه ۱۱ ۱۱- سوره انفال، آیه ۳

۱۲- سوره تکویر، آیه ۶ ۱۳- سوره ابراهیم، آیه ۴۸

۱۴- سوره زمر، آیه ۶۸

این هنگام انسان‌های گناهکار به دنبال راه فراری می‌گردند؛ دل‌های آنان سخت هراسان و چشم‌هایشان از ترس به زیر افکنده است.^۱

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم : در آن روز با تاییدن نور حقیقت از جانب خداوند پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود^۲ و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیات انسان‌ها و نیز حوادث تلغی و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می‌شود.

۳- بربا شدن دادگاه عدل الهی : با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.^۳ اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این‌رو هر چه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

۴- دادن نامه اعمال : نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند.^۴ نامه عمل انسان با نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه‌های این دنیا، تنها گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛ اما نامه عمل انسان به‌گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت و باطن آن را در بر دارد. از این‌رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین اعمال خود را می‌بیند. کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار رشت و وحشتزا و آزاردهنده، مجسم می‌شوند.

با دیدن نامه اعمال، برخی بدکاران به انکار اعمال ناشایست خود روی می‌آورند تا جایی که برای نجات خود از مهلکه به دروغ سوگند می‌خورند که چنین اعمالی را انجام نداده‌اند.^۵ در این هنگام، خداوند شاهدان و گواهانی را حاضر می‌کند که با وجود آنها دیگر انکار کردن میسر نیست.

۵- حضور شاهدان و گواهان : براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از：
(الف) پیامبران و امامان : ایشان همان‌گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر

۱- سوره نازعات، آیات ۸ و ۹

۲- سوره زمر، آیه ۶۹

۳- سوره انتیه، آیه ۴۷

۴- سوره حاقة، آیات ۲۶-۱۹

۵- سوره مجادله، آیه ۱۸

۶- اینکه پیامران و امامان، ناظر بر اعمال ما در دنیا هستند، عقیده‌ای مختص شیعیان است.

خطابی مصون و محفوظاند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امته است.^۱

ب) فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ
كِرَاماً كَا تَبِينَ
يَعْلَمُونَ مَا تَفَعَّلُونَ

بی گمان برای شما نگهبانی هستند،
نویسنده‌گانی گران‌قدر،
می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید.^۲

ج) اعضای بدن/انسان: برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می‌زند و اعضای آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.

الْيَوْمَ تَخْتِيمُ عَلَىٰ أَفواهِهِمْ
وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ
وَ تَشَهِّدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهانشان مهر می‌نهیم
و دست‌هایشان با ما سخن می‌گوید
و پا‌هایشان شهادت می‌دهد
درباره آنچه انجام داده‌اند.^۳

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شکفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود بالحنی سرزنش آمیز می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن می‌آورد.^۴

۱- سوره نساء، آیه ۴۱

۲- سوره انفطار، آیات ۱۰-۱۲

۳- سوره پس، آیه ۶۵

۴- سوره فصلت، آیه ۲۱

در روز قیامت افراد بدکار با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خویش، شروع به سرزنش خود کرده و آرزو می‌کنند که ای کاش ...

■ ... ای کاش برای این زندگی ام چیزی از پیش فرستاده بودم. ۲۴ سوره فجر، آیه

■ ... ای کاش (به دنیا) بازگردانده می‌شدیم و آیات بپروردگار مان را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم.

سوره انعام، آیه ۲۷

■ ... ای کاش همراه و هم مسیر با پیامبر می‌شدم. ۲۷ سوره فرقان، آیه

■ ای وای، کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کرم. او من را از یاد خدا بازداشت ...

سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹

با توجه به آیات بالا بگویید برای اینکه ما از حسرت خورندگان آن جهان نباشیم، بایستی در این دنیا چگونه زندگی کنیم؟

.....

.....

پناه من باش!

حضرت علی علیہ السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می‌گوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ لَا يَنفُعُ مَالٌ وَ لَا بَنْوَنَ،
إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

خدایا پناه من باش در روزی که مال به درد انسان می‌خورد نه فرزند و تنها آوردن قلبی پاک به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

وَ أَسأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُونَ عَلَى يَدِيهِ،
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّحَذَّثُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدا یا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد
می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسَأْلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَفْرُّ الْمَرءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبِتِهِ وَ بَنِيهِ
خدا یا پناه من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند خود فرار می‌کند.

وَ أَسَأْلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَوْدُ الْمُجْرُمُ لَوْ يَفْتَنِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِتِبْيَهٖ
وَ صَاحِبِتِهِ وَ أَخِيهِ وَ قَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ
خدا یا به من پناه ده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، همسر، برادر و خویشان بلکه تمام مردم
زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

پاسخ سوالات شما

وقتی خداوند شاهد اعمال انسان است، دیگر چه نیازی به حضور شاهدان دیگر دارد؟ درست است که خداوند برای حسابرسی به اعمال انسان نیاز به هیچ شاهدی ندارد؛ اما باز هم به دلیل لطف و عنایتی که به بندگانش دارد، شاهدانی را بر اعمال انسان می‌گمارد تا شاید انسان با توجه به این مسئله که تک تک اعمالش زیر نظر ناظران و گواهان بسیار است، از ارتکاب گناه خودداری کند، زیرا این خصلت انسان است که هر چه حضور ناظران و شاهدان را بیشتر احساس کند، در رفتار خود دقت بیشتری می‌کند. حال اگر انسان بداند که هر عملی که انجام می‌دهد، علاوه بر آنکه خدا شاهد اوست، پیامبر، امامان، ملائک و ... نیز ناظر بر اعمال اویند، انگیزه پرهیز از گناه در دلش قوی‌تر می‌شود و این موضوع وی را به حفظ هرچه بیشتر حریم و حدود الهی وا می‌دارد.

همچنین، این مسئله نشان می‌دهد که زمین، اعضای بدن و هر آنچه در اطراف ماست و خداوند از آنها به عنوان شاهد یاد می‌کند، دارای شعور و آگاهی‌اند و از آنچه ما انجام می‌دهیم آگاه‌اند و روزی علیه ما شهادت خواهند داد.

اندکی درنگ

خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده‌ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر موفقیم، شکرگزار خداوند باشیم و بدون آنکه مغروم شویم، بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کمتر احساس موفقیت می‌کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم.

اندیشه و تحقیق

- ۱- شاهدان اعمال ما در قیامت چه کسانی هستند؟
- ۲- برخی از وقایعی که در مرحله دوم قیامت رخ می‌دهد، بیان کنید.

بیشتر بدانیم

سبک بار شوید!

امام علی علیهم السلام :

قیامت پیش روی شما و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. سبک بار شوید تا برسید. همانا آنان
که رفتن در انتظار رسیدن شما بایند.

نهج البلاعه، خطبه ۲۱

سید رضی، جمع آوری کننده سخنان حضرت علی علیهم السلام در پایان این خطبه می‌گوید: این سخن امام پس
از سخن خدا و پیامبر ﷺ با هر سخنی سنجیده شود، بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد و از جمله
«سبک بار شوید تا برسید» کلامی کوتاه‌تر و پرمumentی تر شنیده نشده است! چه کلمهٔ ژرف و بلندی و چه کلمهٔ
پرمumentی و حکمت‌آمیزی است!

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
موافق حشر	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانشآموز / معلم
قیام قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانشآموز / معلم





آيات درس راتوجه بالكتاب، بهملاية جملة بغير ابتداء وبمعنى أن دقت كثيرة.

وَنُفَخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنِ فِي الْأَرْضِ
إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ تُمَّنْفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ
يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رِبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَبُ
وَجَيَءَ بِالنَّبِيِّنَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِيتَ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ
أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ
زُمَّرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُنَا فُتِّحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَرْنَتُهَا
أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتلوُنَ عَلَيْكُمْ آيَاتٍ رَّيْكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ
لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هُذَا قَالُوا بَلِي وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ العَذَابِ
عَلَى الْكُفَّارِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا بَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا
فَبِئْسَ مَثَوِي الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْ رَبَّهُمْ
إِلَى الْجَنَّةِ زُمَّرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُنَا وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ
لَهُمْ خَرْنَتُهَا سَلَّمٌ عَلَيْكُمْ طِبُّتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ ﴿٧٣﴾
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَدَمْ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
نَتَّبُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ

سورة زمر، آيات ۶۸ تا ۷۴

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است - جز آن کس که خدا بخواهد - بیهوده درمی‌افتد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بی‌درنگ آنان به پا می‌خیزند و می‌نگرند [که با آنها چه خواهد شد]. **۶۸**

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند. **۶۹**

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام باید و او به آنچه می‌کنند داناتر است. **۷۰**

و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامندند که آیات پروردگاری‌تان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند چرا؛ ولی [به دلیل اعمالمان] فرمان عذاب بر کافران محقق شد. **۷۱**

گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید. وه چه بد [جای] است جای سرکشان. **۷۲**

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآید [و] جاودانه [بمانید]. **۷۳**

و گویند سپاس خدای را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باع [بهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پاداش اهل عمل [به دستورات الهی]. **۷۴**



درس هفتم

فرجام کار



در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوالاتی اتفاق می‌افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می‌شود.

در این درس می‌خواهیم با بهره‌مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم :

- ۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟

۱- جایگاه نیکوکاران



اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کنند؛ بهشت آماده استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.^۱ یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروههای دیگر است.^۲ از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند^۳ و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.^۴ بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعده خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد.^۵ هریک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هرچه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۶ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.^۷ علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌بند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.^۸

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله «خدايا! تو پاک و منزه‌هی» مترنم‌اند.^۹ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛^{۱۰} یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.^{۱۱}

۱- کنزالعمال، متنی هندی، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- سوره رعد، آیه ۲۲

۴- سوره زمر، آیه ۷۳

۵- سوره زمر، آیه ۷۴

۶- سوره زخرف، آیه ۷۱

۷- سوره فاطر، آیات ۳۴ و ۳۵

۸- سوره توبه، آیه ۷۲

۹- سوره یونس، آیه ۱۰

۱۰- سوره انتام، آیه ۱۲۷

۱۱- سوره نساء، آیه ۶۹

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوانترین صورت و قیافه در بهشت به سر میبرند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوشرفقار و زیارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^{۱۹}



با تدبیر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمرة بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

■ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود بخشد، برای آنها باغهایی از بهشت است...

سورة مائدہ، آیه ۱۱۹

■ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای متقیان آمده شده است؛ همان‌ها که در زمان توانگری و تنگدستی، اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتكب عمل زشتی می‌شوند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتنند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند...

سورة آل عمران، آیات ۱۳۵-۱۳۳

■ و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آنها که به راستی ادائی شهادت کنند و آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ‌های بهشتی گرامی داشته می‌شوند.

سورة معارج، آیات ۳۵-۳۲

.....
.....
.....

۱- سوره واقعه، آیات ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سوره الرحمن، آیات ۷۰ تا ۷۷

۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ «معداشناسی» از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معداد» استاد فرائتی مراجعه کنید.

جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که :

اولاًً دامنه لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواستهٔ حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از موهب پایان ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید :

خالِدِينَ فيها لا يَبغونَ غَنَّها حِوَّلًا
در آن [بهشت ابدی] جاویدان‌اند و خواستار
هیچ گونه دگرگونی نیستند.^۱

۲- جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند^۱ و درحالی که در غل و زنجیر بسته شده‌اند، در جایگاهی تنگ افکنده می‌شوند.^۲

آتش جهنم، بسیار سخت و سورازنده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می‌کشد.^۳

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر او را اطاعت می‌کردیم.^۴ ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.^۵ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی‌هایی که در دنیا کردیم!^۶

آنان به خداوند می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم.^۷

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه راست آید؟^۸ ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.^۹

آنان گاهی دیگران را مقصراً می‌شمارند و می‌گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می‌گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.^{۱۱} به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تحفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشی نیاورند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بیجا می‌دانند.^{۱۲}

تدبیر

ترجمه آیات صفحه بعد به توصیف برخی از ویژگی‌های جهنه‌میان می‌بردازد. با تدبیر در آنها بیان کنید که چه زمینه‌هایی می‌تواند شما را به سوی جهنم بکشاند؛ آنها را بیایید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید.

۳- سوره همزة، آیات ۴ تا ۷

۶- سوره انعام، آیه ۲۱

۹- سوره انعام، آیه ۲۸

۱۲- سوره غافر، آیات ۴۹ و ۵۰

۲- سوره فرقان، آیه ۱۳

۵- سوره فرقان، آیات ۲۹ و ۲۸

۸- سوره فاطر، آیه ۲۷

۱۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

۱- سوره زمر، آیه ۷۱

۴- سوره احزاب، آیه ۶۶

۷- سوره مؤمنون، آیات ۶ و ۱۰

۱۰- سوره احزاب، آیه ۶۷

■ [جهنمیان] می‌گویند : ما در دنیا از نمازگزاران نبودیم و از محروم‌مان دستگیری نمی‌کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم.

سورة مدثر، آیات ۴۳-۴۷

■ توبه کسانی که کارهای زشت انجام دهنده هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسید می‌گوید : الان توبه کردم، پذیرفته نیست... و اینها کسانی هستند که عذاب دردنای برایشان فراهم کردیم.

سورة نساء، آیه ۱۸

■ [جهنمیان] پیش از این [در دنیا] مست و مغدور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند.

سورة واقعه، آیات ۴۵-۴۶

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟

رابطه میان عمل و جزای آن، سه‌گونه است :

۱- قراردادی : گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه میان آن کارها و این‌گونه پاداش‌ها و کیفرها، یک رابطه قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- طبیعی : گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خوش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا

می شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می باید یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرسی خود کمک کرده است.

۳- **تجسم عمل** : نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت رشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا بر ملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل آشکار می‌گردد و آتش از درون او زبانه می‌کشد.

كَسَانِيَ كَهْ مِيْ خُورَنَدْ	إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ
أموالَ يَتِيمَانَ رَا از روی ظلم	أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلُمًا
جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند	إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
و بهزادی در آتشی فروزان درآیند. ^۱	وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایحی که به یکی از باران خود می‌کرد، فرمود :

«برای تو ناچار همشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود ... آنگاه آن همشین در رستاخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، همشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن همشین، کردار توست». ^۲

۱- سوره نساء، آية ۱۰

۲- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۳

بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود؛ بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

بیشتر بدانیم

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه‌جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی رو به رو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنه است. زندگی مرphe و اشرافی خود را از جلوی چشم‌ماش گذراند و با خود گفت: اگرچه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنها تنها خواهم شد.

از این رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.

با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلاfacله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم.

تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو یاورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.

نگاه ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با توام. تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای نشسته بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می‌دانستم و همه‌دارایی ام را به پای تو می‌گذاشتم.

این داستان واقعی زندگی همهٔ ما انسان‌هاست:

رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه‌چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.

رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلا فاصله به دیگران می‌رسد.

رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ فقط تا قبر ما می‌توانند بیایند.

ورفیق اول ما، که ماآن را فراموش کرده‌ایم و در بی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی، هیچ‌گاه به فکرش نبوده‌ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست جز...

- ۱- چرا در کیفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟
- ۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و بزرخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

آخرت	برزخ	دنیا	شماره
.....	۱
.....	۲
.....	۳
.....	۴
.....	۵

- ۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الَّذِيَا مَرَأَتْهُ الْآخِرَةُ».^۱
- یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:
- ۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.
 - ۲- بذر سالم تهیه می‌کند.
 - ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.
 - ۴- زمین را از علف‌های هرز، پاک می‌کند.
 - ۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر کدام‌اند؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-

۱- تنبیه‌الخواطر، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۸۳

فرزند آخرت باش

حضرت علی علیه السلام :

آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می‌آید.

دنیا و آخرت، هریک فرزندانی دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا. زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش بازمی‌گردد. امروز هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

فقط یکبار!

فقط یکبار به دنیا می‌آیی،
 فقط یکبار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛
 اما، در سرایی دیگر همواره خواهی بود؛
 اگر این فرصت یکباره را از دست دهی،
 چه خواهی کرد؟

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانشآموز / معلم

۲

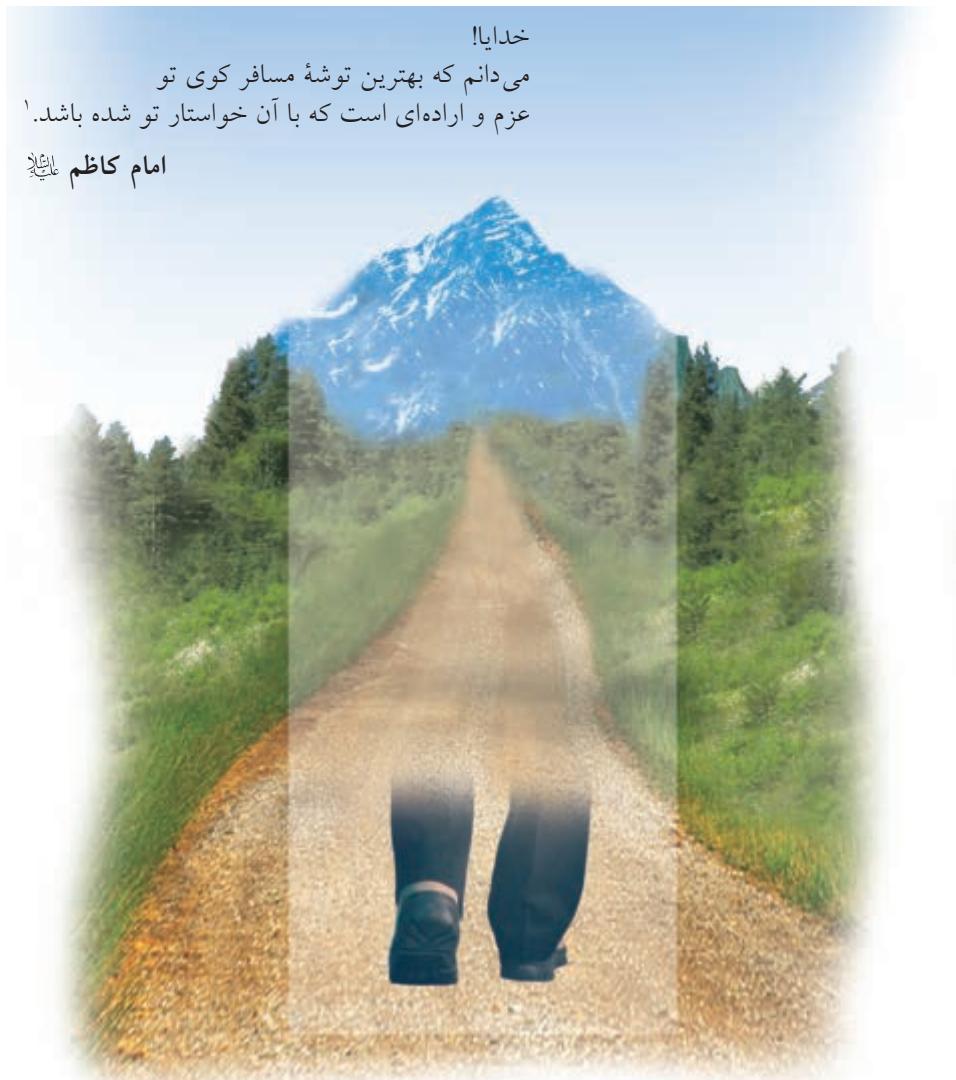
بخش دوم

قدم در راه

خدایا!

می‌دانم که بهترین توشة مسافر کوی تو
عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.^۱

امام کاظم علیه السلام



۱- مقانیج الجنان، دعای روز ۲۷ ماه ربیع



آيات درس راتوجهة الكوى قرأت، بهله به جمله بغرايد و معنائى آن دقت كيده.

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٌ عَرَضُهَا السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ أَعْدَتْ لِلْمُتَّقِينَ ١٣٣ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ
وَالصَّرَّاءِ وَالكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ١٣٤ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
أَوْظَلُمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ
وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصْرِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا
وَهُمْ يَعْلَمُونَ ١٣٥ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ
وَجَنَّتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِيلُهُنَّ فِيهَا وَنِعْمَ
أَجْرُ الْعَمَلِينَ ١٣٦ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سَنَنٌ فَسِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُحَكَّمِينَ ١٣٧
هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ١٣٨
وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْرَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١٣٩
إِنْ يَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهِ
وَتِلْكَ الْأَيَامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا وَيَتَخَذَّلُنَّكُمْ شَهِدَاءَ طَوْبَةً اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّلِمِينَ ١٤٠
وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَحْقِقَ الْكُفَّارُ ١٤١

سورة آل عمران، آیات ۱۳۳ تا ۱۴۱

و بشتابید برای دست یافتن به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که وسعتش [بهقدر] آسمان‌ها و زمین است [که] برای پرهیزگاران آماده شده است. **۱۳۳**

[همان] کسانی که در توانگری و تنگدستی اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از [خطای] مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. **۱۳۴**

و [همان] کسانی که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روادارند خدا به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد و بر آنچه مرتکب شده‌اند، دانسته پاپشاری نمی‌کنند. **۱۳۵**

آنان پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بستانهایی است که از زیر [درختان] آن، جو بیارها روان است؛ جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل [به دستورات الهی] چه نیکوست. **۱۳۶**

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. **۱۳۷**

این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. **۱۳۸**

و سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید اگر مؤمن باشید. **۱۳۹**
اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم [دشمنان] را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا مردم پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. **۱۴۰**

و تاخدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را نابود سازد. **۱۴۱**

دسته هشتم آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزنند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم :
برای آنکه در این برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

برای گام‌گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت‌قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تنبذاد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی و ادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن
و اصیر علی ما أصابك
که این از عزم و اراده در کارهای است.^۱ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

مقایسه

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و اراده ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم ضعیف	دارای عزم قوی
.	.
.۲	.۲
.۳	.۳
.۴	.۴

۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری را که همان قرب و تزدیک شدن به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این

۱- سوره لقمان، آیه ۱۷

هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از مراضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوبیختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

اول : برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم : عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

تدبیر

در ترجمه آیات زیر بیندیشید و براساس آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

... و هر که به عهده‌ی که با خدا بسته وفادار بماند، بهزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. ■

سورة فتح، آیه ۱۰

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردنایی برای آنهاست. ■

سورة آل عمران، آیه ۷۷

... به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. ■

سورة بقره، آیه ۴۰

الف) آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟

۱ ۲

۳ ۴

ب) عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه ثمراتی دارد؟

۱ ۲

۳- مراقبت : باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در بی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدهشکنی، آسیب نیندد.

امام علی علیه السلام می فرماید: **گذشت ایام، آفاتی دری دارد و موجب از هم گسختگی تصمیم‌ها و کارهای شود.**^۱ به طور مثال، کسی عهد می بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می شود، از سر راه بردارد.

* بررسی

چه عواملی می تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید :

- ۱
- ۲
- ۳

۴- محاسبه و ارزیابی : بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا می دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب فرار دهیم و از خداوند طلب بخشن کنیم و با تصمیم قوی تر، دوباره با خداوند عهد بیندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود :
حسِبُوا أَنفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا

(به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند).^۲

۱- غرر الحكم و درر الكلم، تمییزی آمدی، ج ۴، ص ۶۲۶
۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۶، ص ۹۹

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا توانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیر المؤمنین علی علیه السلام پرسیدند :

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود : کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند : چگونه؟

فرمود : چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید :



ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گرّه از کار فرویسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا ...؟

تفکر در احادیث

در جدول زیر، سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است.^۱ در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عِيوبِهِ وَأَحاطَ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَقَالَ بِذُنُوبِ وَأَصْلَحَ الْعِيُوبَ
.....	۲- ثَمَرَةُ الْمُحَاسِبَةِ صَلَاحُ النَّفَسِ
.....	۳- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۰، ص ۶۹

۲- تصنيف غزال الحكم و درر الكلام، تمهیی آمدی، ص ۲۲۶

نامه‌ای برای نجات

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی علیه السلام، نویسنده تفسیرالمیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید :

... جوانی هستم ۲۶ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و من اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبائی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند :

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش‌آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تاشب، وقت خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی بکی از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این روش را هر روز ادامه دهید. این روش اگرچه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذاته نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است ...^۱

پیامبر و اهل‌بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید :

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است».^۲

۱- نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۷۸۱

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان‌می‌شود، یاد کرده و مارا به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

■ ممکن است این سوال به ذهن پیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسائل حمل و نقل، وسائل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس بارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالرژش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و ... از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی در ک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین علیه السلام از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسالم در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.^۱

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید.

■ همچنین ممکن است این سوال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان تزدیک تر کنیم.

امیر المؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:

آگاه باش برای هر پیروی کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیايش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیز کاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا باری کنید.^۲

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵

۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۸۱

دفتر برنامه‌ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد :

۱- عهده‌های کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود. ۲- برنامه‌ها و عهده‌های روزانه با هفتگی.

بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورید. به طور مثال، برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول عمل کنید.

تاریخ :	مورد عهد :			
مراقبت : نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم :			
محاسبه :			
راه‌های کسب موفقیت بیشتر	عوامل شکست	عوامل موفقیت	میزان موفقیت	زمان

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
رازهای زندگی	مرتضی نظری	منادی تربیت	دانشآموز
نامه‌های بلوغ	علی صفایی حائری	لیلقدر	دانشآموز
سیما روزانه فرد مسلمان	محراب صادق‌نیا	مرکز پژوهش‌های صداوسیما	دانشآموز / معلم
تصمیم‌های بزرگ جوانی	محمد باقر پور امینی	کانون اندیشه جوان	دانشآموز
این گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانشآموز
الfabای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانشآموز / معلم

اگر در مسیر گام برداشتن به سوی خدا، سوال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به چه کسانی مراجعه کنیم؟
به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی در مسائل دینی را دارند، مانند دیبران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سوال خود را با آنها در میان بگذاریم.
برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از:

- | | |
|------------------------|--|
| Porseman.org | ۱- اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها |
| www.Tebyan.net | ۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان |
| www.hawzeh.net | ۳- پایگاه اینترنتی حوزه |
| www.eporschesh.com | ۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سوالات و شباهات دینی |
| www.Porsemanequran.com | ۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن |
| www.Pasokhgoor.ir | ۶- مرکز ملی پاسخ‌گویی به سوالات دینی |
| www.andisheqom.com | ۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم |
| www.behdokht.ir | ۸- پاسخ به سوالات شرعی بانوان |
| www.Islamquest.net | ۹- |
| www.erfan.ir | ۱۰- |
| www.Javab.ir | ۱۱- |

بیشتر بدانیم

عمل کنید، عمل؛ سپس آن را ناتمام نگذارید و به پایان برسانید و در تصمیمی که گرفته‌اید استقامت بورزید، استقامت. صبور باشید، صبور. پرهیز کاری پیشه کنید، پرهیز کاری. قطعاً برای شما است پایانی [بهشت]، پس خود را به آن پایان برسانید.
با انجام آنچه خداوند از حق خود بر شما واجب کرده است و وظایفی که برای شما بیان داشته است، به خداوند روی آورید. من شاهد شمایم و روز قیامت به نفع شما شهادت خواهم داد.
نهج البلاغه، حکمت ۱۷۸

اندیشه و تحقیق

- ۱- برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟
- ۲- مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟





آيات درس راتب توجه إلى الكوى قرأت، بهمله به جعله بغير أية وبمعنى أن دقت كثيف.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ الْأَلَيْلِ وَالنَّهَارِ
وَالفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا
مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ
بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَتِي لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٧٤
مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحْبِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
آمَنُوا أَشَدُ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْيَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ العَذَابَ
أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ العَذَابِ ١٧٥
إِذْ تَبَرَّأُ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا الْعَذَابَ
وَتَقْطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ١٧٦ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْا نَلَّا
كَرَّةً فَنَتَبَرَّأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُ وَإِمْنًا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ
أَعْمَالَهُمْ حَسَرَتِ عَلَيْهِمْ ١٧٧ وَمَا هُمْ بِخَرْجَيْنِ مِنَ النَّارِ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
خُطُوطَ الشَّيْطَنِ ١٧٨ إِنَّهُ لَكُمْ عَذَّوْ مُبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
بِالسَّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ١٧٩

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در بی‌یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند [و] موجب سود مردمند و [همچنین] آیی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبندهای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشنند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد. ۱۶۴

و برخی از مردم در کنار خدا همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت پیشتری دارند. [و کاش] کسانی که ستم نموده‌اند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند می‌دانستند تمام نیرو[ها] از آن خداست و خدا سخت کفر است. ۱۶۵

آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد. ۱۶۶

و پیروان می‌گویند کاش برای ما بازگشته بود تا همان‌گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [مانیز] از آنان بیزاری می‌جستیم. این‌گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرت‌هast به ایشان می‌نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند. ۱۶۷

ای مردم از آنچه در زمین است حلal پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ۱۶۸

[او] شمارا فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و [وامی دارد] تا علیه خدا چیزی را بگویید که بدان آگاه نیستید. ۱۶۹



در سر نهم

دوستی با خدا

«بارالها! خوب می‌دانم هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس با تو انس گیرد، لحظه‌ای از تو روی گردن نشود،
بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان!
دوست داشتن را از خودت خواهانم». ^۱

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده‌اند؟
چگونه می‌توان دل را به این آذین آراست؟

۱- برگرفته از دعای مناجات المحبین امام سجاد علیه السلام

■ نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دلیستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد. کسی که شیفتۀ مد است، دل‌مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می‌دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می‌سازد.

چقدر می‌ارزیم؟!

عده‌ای از اندیشمندان صاحب نام در علوم انسانی، در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا درباره موضوع «معیار ارزش واقعی انسان» بحث و تبادل نظر کنند.

دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟

هر کدام از جامعه‌شناسان در این باره حرف‌هایی زندن و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازه خدادست. با تمام شدن حرف‌تمامی جامعه‌شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علی اللہ عزوجل است. ایشان می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.^۱

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه احترام به شخصیت حضرت علی علی اللہ عزوجل از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بربازان جاری می‌کردند.^۲

تا در طلب گوهر کافی، کافی
تا در هوسر لقمه نانی، نانی

این نکته رمز اگر بدانی، دانی
هر چیز که در جتن آنی، آنی^۳

پیامبر اکرم ﷺ : هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می‌شود.^۱

با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان‌هایی که در دنیا آنها را محبوب خود قرار داده است، همراه و همنشین می‌شود و به سرانجام همان‌ها دچار خواهد شد؟

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمۀ کمالات و زیبایی‌ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می‌یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می‌شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می‌بخشد. محبت الهی، تنبیل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت را صبور می‌کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خدادست و جز با خدا آرام و قرار نمی‌یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قلب انسان حرم خدادست؛ در حرم خدا غیر خدا را جاندھید.^۲

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می‌داند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا وَ بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا می‌گیرند.

آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ الْلَّهِ

اما کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا

وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ

محبت بیشتری دارند.^۳

۱- اصول کافی کلینی، ج ۲، ص ۱۲۶

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۵

۳- سوره بقره، آیه ۱۶۵

عاشقانه‌ای با خدا

من عشق را آموخته بودم؛ اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه؛ به دنیا عشق ورزیدم، به مال و منال عشق ورزیدم، به مدرسه عشق ورزیدم، به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه اینها بعد از مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد؛ یعنی عشق به تو. فهمیدم عشق به تو پایدار است و دیگر عشق‌ها، عشق‌های دروغین است... پس به عشق تولد بستم.

بعداز چندی که به تو عشق ورزیدم به یکباره به خود آدمد. دیدم که من کوچک‌تر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگ‌تر از آنی که متشوق من قرار بگیری. فهمیدم در این مدت که فکر می‌کردم عاشق تو هستم اشتباه می‌کرم. این تو بودی که عاشق من بودی و مر [به سوی خود] می‌کشاندی.

اگر من عاشق تو بودم، باید یکسره به دنبال تو می‌آمد. ولیکن وقتی توجه می‌کنم می‌بینم گاهی اوقات در دام شیطان افتاده‌ام؛ ولی باز به راه مستقیم آمده‌ام. حال می‌فهمم این تو بودی که عاشق بندهات بودی و هر گاه او صید شیطان می‌شد، تو دام شیطان را پاره کردی. هر شب به انتظار او [بندهات] می‌نشستی تاب لکه یک شب او را ببینی. حالمی فهمم که تو عاشق صادق بندهات هستی.

بخش‌هایی از دست نوشتۀ های شهید ناصرالدین باغانی که در ۱۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن



پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی همان طور که محبت خدا موجب بروز این آثار می‌شود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می‌شود.

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سریچی کند. این سریچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.

برخی می‌گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند:

فُلِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَأَتَيْتُعْنِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ
وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ

بگو اگر خدا را دوست دارید
از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد
و گناهاتنان را بیخشد
و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما أَحَبَّ اللَّهَ مَنْ عَصَاهُ؛ كَسِيَ كَه از فرمان خدا سریجی می‌کند، او را دوست ندارد.^۲
خداوند در خواسته‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می‌دهد
و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می‌کند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات
خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

تفکر در احادیث

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می‌کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا
علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید
برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

خداوند، بنده گناهکار تو به کننده را دوست دارد.^۳

خداوند، انسان با حیای بردبار باعفتی را که پاکدامنی می‌ورزد، دوست دارد.^۴

خداوند، رسیدگی به دل سوختگان و درمانگان را دوست دارد.^۵

خداوند، کسی که جوانی اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.^۶

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.^۷

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۲۵

۶- نهج الفضاحة، حدیث

۲- امامی، شیخ صدق، ص ۳۶۹

۵- من لا يحضره الفقيه، شیخ صدق، ج ۲، ص ۸۰۰

۱- سوره آل عمران، آية ۳۱

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۲

۷- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۰

۲- دوستی با دوستان خدا : اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فروتنمی‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا^{صلوات‌الله‌علی‌ہ} و اهل بیت ایشان^{علی‌ہ السلام} می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق و رزیبدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز باستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان : عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هرچه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه باستم و ستمگران بوده‌اند. همهٔ پیامبران، از حضرت نوح^{علی‌ہ السلام} و حضرت ابراهیم^{علی‌ہ السلام} تا پیامبر اسلام^{علی‌ہ السلام} زندگی خود را در مبارزه باستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما ازشتی وستم را در جامعه بینند و سکوت اختیار کند.

از این‌رو، «جهاد در راه خدا» در برنامهٔ تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌هارا زیر پامی گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه‌آشکاری از رفتار مستکبران است که جز بامبارزه، برطرف نخواهد شد.

درنتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانهٔ خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جملهٔ «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است: «نه» به هرچه غیر خدایی است و «آری» به خدای یگانه.^۱

پس دینداری بردو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی^{ره} بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این گونه سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بعض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».^۲

۱- سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۲۸۵

۲- پام امام خمینی^{ره} به مناسب حج ۱۴۰۷ هـ. ق (۱۳۶۶ ش)

با بررسی دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را معرفی کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همه ستمدیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

پاسخ سوالات شما

ورود بیگانگان ممنوع!



برخی وقتی به زیبایی دوستی با خدا بی‌می‌برند، آرزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند؛ اما در رسیدن به این خواسته با یک مشکل مواجه می‌شوند و آن اینکه محبت کسانی را به دل راه داده‌اند که خدای مهریان از آن راضی نیست و آن را به صلاح انسان نمی‌داند؛ حال می‌پرسند چگونه می‌توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟

برای بیرون راندن این محبت‌ها از دل، توجه به منشأ شکل گیری آنها ضروری است. با توجه به روایات، منشأ اصلی گرفتار شدن به این گونه محبت‌ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت درباره عشق‌های باطل پرسید. ایشان فرمود: **دل‌هایی که از یاد خدا خالی شده باشد، خداوند محبت غیر خودش را به این دل‌ها می‌چشاند.**

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیر‌خدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی مانند نماز و روزه، حضور در مکان‌های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه‌ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعا‌هایی همچون دعای کمیل، دعای ابو حمزه ثمالي، دعا‌های صحیفه سجادیه، حضور در مجالس و مراسم دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعه زندگانی انسان‌هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده‌اند (همچون کتاب‌های زندگی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می‌کند.

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ص ۱۴

دو مین گام، مبارزه با تخیلات باطل است؛ چرا که یکی از اصلی‌ترین راه‌های زیاد شدن عشق‌های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است، باید از خود دور کرد. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند که باید آنها را از بین برد.

سومین گام، افزایش روابط محبت‌آمیز با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار عشق‌های کاذب می‌شوند، با اعضای خانواده خود چنین ارتباط محبت‌آمیزی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت کردن به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و یا خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند.

چهارمین گام، قطع ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه گام قبلی نباشد، تأثیری نخواهد داشت.

پس از انجام این مراحل، انسان احساس می‌کند قلبش بیش از گذشته از عشق به خدا لبریز شده و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

نظر بر غیر ما مگلن چو قصد روی ما داری	ره از انیار خالی کن چو عزم کوی ما داری
بوزان خویش را چون او اگر خود بوی ما داری	من آن شمعم که در مجلس مرا پروانه بسیارند
حرامت باد اگر رغبت به عنیر سوی ما داری	ز معشوقان هرجایی تو را چون کار بگشاید
ک در میدان جان بازان سرت را گوی ما داری	مسلم آن زمان باشد تورا لاف سرافرازی
اگرچه طناهر خود را به جست و جوی ما داری	درون باطن خود را به نور ما منور کن

- ۱- برخی افراد، مخالف دستورات خداوند مانند نماز نیستند اما با بهانه‌های مختلف، از انجام آن شانه خالی می‌کنند، آیا این افراد می‌توانند ادعا کنند که ما خدا را دوست داریم؟ چرا؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟
- ۴- فردی می‌گوید: «اساس دین بر محبت است؛ بنابراین دل مسلمانان باید جایگاه کینه و نفرت از کسی باشد»؛ شما با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آنها به حق و مبارزه‌شان بازشوند و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی ره که از پیروان راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود، زندگی خود را در مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟





يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا
كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُم تَتَّقَوْنَ
آيَامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِنْ آيَامٍ أُخْرَى وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ
فِدِيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينٌ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ
وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ
وَبَيِّنَتِ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلَيَصُمِّمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ آيَامٍ أُخْرَى
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلَئِنْ كُمْلُوا الْعِدَّةَ وَلَئِنْ كَبَرُوا اللَّهُ عَلَى مَا هَدَنَكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشَكَّرُونَ
فَإِنَّ قَرِيبَ أُجَيْبُ دَعَوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلَيَسْتَجِيبُوا لِي وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْشُدُونَ

سوره بقره، آیات ۱۸۲ تا ۱۸۶

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] واجب شده بود به امید اینکه پرهیزگاری کنید. **۱۸۳**

[روزه در] روزه‌های معبدودی [بر شما مقرر شده است] [ولی] هر کس از شما بیماری یا در سفر باشد [به همان شماره] تعدادی از روزه‌های دیگر [را روزه بدارد]. و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است؛ و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر بدانید. **۱۸۴**

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن نازل شده است، [كتابي] که مردم را راهبر و [در بردارنده] نشانه‌های آشکار هدایت و [معيار] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزه‌های دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد. و باید آن روزه‌های مشخص [ماه رمضان] را کامل کنید و باید خدا را به پاس آنکه هدایتان کرده است به بزرگی بستایید و به امید اینکه شکرگزاری کنید. **۱۸۵**

و هرگاه بندگان من از تو درباره من پرسند [گو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس [آن نیز] باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند به امید اینکه راه یابند. **۱۸۶**

درس دهم

یاری از نماز و روزه

خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از این‌رو، خدای متعال برخی از فایده‌های مهم‌ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع مارسانده است. در این درس با فایده دو عمل مهم در زندگی هر فرد مسلمان، یعنی نماز و روزه آشنا می‌شویم و پاسخ سوالات زیر را می‌یابیم:

- ۱- چرا در هر روز، پنج بار به نماز می‌ایستیم؟
- ۲- حکمت روزه چیست؟ چرا یک فرد مسلمان باید روزه بگیرد؟
- ۳- احکام دیگر روزه کدام‌اند؟

خداوند در آیات مختلفی، فایده‌های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارت اند از:
۱— یاد خدا، ۲— دوری از گناه.

مهم‌ترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

در این درس به فایده دوم نماز که با فایده روزه؛ یعنی تقوا ارتباط دارد، می‌پردازیم و این دو را با هم بررسی می‌کنیم.

راستی، تقوا چیست؟ چرا قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می‌کند؟

■ تقوا

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیر مؤمنان علیؑ بیان فرموده است، ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید:

«مثال انسان‌های بی تقوا مثال سوارکارانی است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام^۱ را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند؛ به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند. اما مثال آدم‌های باتقوا، مثال سوارکارانی است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند».^۲

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام‌گسیختگی اسب یکی از آنها، رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

این لجام‌گسیختگی و سرکشی در انسان بی تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟

«تقوا» به معنای «حفظت» و «نگهداری» است. انسان باتقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفظت می‌کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می‌کوشد روزبه روز بر توانمندی خود بیفراید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلدگی نگه دارد. اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در موقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره می‌کنیم.

۱— لجام: افسار

۲— نهج البلاغه، خطبة ۱۶

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس می کند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می شود تا انسان دست به هر کاری تزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید :

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و نماز را بربپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد
و قطعاً یاد خدا بالاتر است،
و خدا می داند چه می کنید.^۱

با این حال، برخی می گویند : «مانماز می خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی ها و منکرات است؟»

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی توان انتظار داشت خواندن چند رکعت نماز شتاب زده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید.

هر کدام از ما می توانیم این مورد را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم و در یا بیم افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی خوانند، یا نماز خود را شتاب زده و بدون رعایت آداب می خوانند، از منکرات بیشتری دوری می کنند.

اگر به زندانیان و خلاف کاران جامعه نگاه کنیم، می بینیم که چنین مجرمانی کمتر از میان افراد نماز خوان هستند. همین موضوع نشان می دهد که نماز تأثیر خود را گذاشته و هر قدر با توجه و دقت بیشتر انجام شود، تأثیر آن بیشتر هم خواهد شد.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۵



امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید بینند که نماز، او را از گناه و رشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است». ^۱



نتیجه اینکه: اگر می‌بینیم که با خواندن نماز در حال دور شدن از گناهان هستیم، معلوم می‌شود نمازمان مورد قبول خدا قرار گرفته و اگر نماز، ما را از گناه و رشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جستجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

اگر نماز را کوچک نشماریم ...

اگر نماز را کوچک نشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از این رو:

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.

اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه‌چیز توجه داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگوییم، خود را در زمرة کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برایر چه گناهانی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبارات و اعمال نماز
.....	۱- خواندن سوره توحید
.....	۲- درود بر پیامبر در تشهید
.....	۳- دعای قنوت
.....	۴- حضور در نماز جماعت
.....	۵- گفتن عبارت «ایاکَ نَعْبُدُ»
.....	۶- گفتن عبارت «ایاکَ نَسْتَعِينُ»

تمکیل احکام



در سال‌های قبل آموختیم که برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.
بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.

توجه : همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز و آنچه در اثر برخورد با آنها نجس می‌شود.
برخی از نجاسات عبارت‌اند از :

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.^۱
- ۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.
- ۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مردۀ آنها نجس است.
- ۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).
- ۸- شراب و هر مایع مستی‌آور، نجس است.^۲

همچنین لازم است بدانیم : نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمرة بزرگ‌ترین

۱- حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

۲- برای آشنایی با سایر نجاسات به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می فرماید :

ای مردمی که ایمان آورده اید؛ به راستی شراب و قمار و بت پرستی و تیرک های بخت آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.^۱

پاسخ سوالات شما

مگر خدا به نماز مانیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟

اگر همه مردم رو به خورشید خانه بسازند، چیزی به خورشید اضافه نمی شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی شود. خورشید به مردم نیازی ندارد که رو به سوی او کنند. این انسان ها هستند که برای دریافت نور، سعی می کنند خانه های خود را رو به خورشید بسازند. خدا هم به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برباداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آنها نیازمند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض الودگی هاست؛ الودگی به شهوت ها، هوس ها، خودخواهی ها و چشم و هم چشمی ها، حسد و کینه و انتقام و صدھا آلودگی دیگر. این آلودگی ها روح را تیره می کند و ما را از مسیر قرب الهی دور می سازد و به دام شیطان و سوسوه های شیطانی می افکند.

بنابراین، باید همان طور که لباس و تن خود را می شویم و پاکیزه می کنیم، دل و جان خود را هم شست و شو دهیم و پاکیزه کنیم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید : رسول خدا نماز را به چشمۀ آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شب آن روز، پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی ماند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند

توجه کنیم که برخی کارها اثر نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزنده که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند – هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند – نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».^۱

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را بیخشید».^۲

بیشتر بدانیم

دو رکعت عشق!

ایام عملیات قدس بود که در اورژانس، رزمnde‌ای را آوردنده که هر دو دست او قطع شده بود. وقتی او را برای اتاق عمل آماده می‌کردند، ایشان را روی برانکاره گذاشتند تا به اتاق عمل ببرند. مسئول تعاوون آمد تا از این رزمnde سؤالاتی پرسید. ولی چشمانش را بسته بود و جواب نمی‌داد. همگی فکر کردیم شاید شهید شده باشد. به دنبال آن بودیم که مقدمات کار را جهت آزمایش ضربان قلب و احتمالاً انتقال وی به سردخانه آماده کنیم. ناگهان دیدیم که چشمانش را باز کرد و با ممتاز خاصی گفت: برادر! بیخشید که جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر به اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نماز قضا می‌شود. آن موقع که شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۰

۲- جامع السعادات، ملا مهدی نراقی، ج ۲، ص ۲۳۴

۳- در انجام عبادتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد: یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال؛ مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد، نمازش صحیح است؛ یعنی شرایط صحت را دارد و لازم نیست آن را دوباره بخواند. اما برای اینکه این نماز در او اثر داشته باشد و او را از گناهان باز دارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند که به آن شرط کمال می‌گویند، مثل اینکه با دقت و توجه نماز بخواند. مقصود از قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است. بنابراین کسی نمی‌تواند به همراه اینکه غیبت کسی را کرده است، نمازش را تا مدتی نخواند.

■ روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد.

روان‌شناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می‌کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه‌هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موضع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، «روزه» است.

روزه، مصدقاق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد؛ خوش‌رفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجداند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال بانقواتر می‌شود. چنین فردی کم کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

یا آیُهَا الَّذِينَ آمَنُوا

روزه برشما مقرر شده است

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما
بودند، مقرر شده بود

كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

باشد که تقوا پیشه کنید.^۱

لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ

* بررسی

رسول خدا^{صلوات الله عليه و آله و سلم} می‌فرماید: «چه بس از روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود». ^۲
مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۳

۲- امالی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱

احکام روزه



۱- نه چیز روزه را باطل می کند که برخی از آنها عبارت اند از : خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.^۱

فعالیت کلاسی

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت های زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیشامد، روزه اش
۲	اگر روزه دار، چیزی را که لای دندانش مانده روزه اش باطل می شود.
۳	روزه دار غبار غلیظ و دود سیگار و تباکو و مانند آنها را به حلقوش برساند.
۴	استفراغ روزه را باطل نمی کند، مگر اینکه

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیم است، عمداً تیم نکند، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُدّ (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مُدّ).

۵- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

۱- برای آشنایی با سایر مبطلات روزه، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

وظیفه شخص مسافر : کسی که سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

اندیشه و تحقیق

درباره مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲	اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست؟
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافت کند و بخواهد به پیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

درباره آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش نمایید.
برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاکنژاد
- ۲- فلسفه روزه برای جوانان، اسدالله محمدی‌نیا
- ۳- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
- ۴- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آداب الصلة	امام خمینی <small>رهبر انقلاب</small>	مؤسسه نشر آثار امام خمینی <small>رهبر انقلاب</small>	علم
راز نماز	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانشآموز





يَبْنَىٰ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِى
سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ
ذَلِكَ مِنْ آيَتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ ٢٧ يَبْنَىٰ آدَمَ
لَا يَفْتَنَنَّكُمُ الشَّيْطَنُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ
مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيهِمَا سَوَآتِهِمَا
إِنَّهُ يَرْبُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ
إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَنَ أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٢٨
وَإِذَا فَعَلُوا فَاحْشَأْتَهُمْ قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا
وَاللَّهُ أَمْرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ
أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢٩ قُلْ أَمْرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ
وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينُ كَمَا بَدَأْتُكُمْ تَعُودُونَ ٣٠ فَرِيقًا هَذِي
وَفَرِيقًا حَقًّا عَلَيْهِمُ الضَّلَالُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطَنَ
أُولِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ٣١

سورة اعراف، آیات ۲۶ تا ۳۰

ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرستادیم که شرمگاههای شما را می‌پوشاند و مایه زینت است [ولی] لباس پرهیزگاری بهتر است؛ این از نشانه‌های خداست، باشد که آنان متذکر شوند. **۲۶**

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فربیب دهد؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکنند تا شرمگاهشان را برآنان نمایان کند. در حقیقت او و کسانش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینند، می‌بینند. ما شیاطین را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. **۲۷**

و چون کار زشتی کنند می‌گویند پدران خود را بر آن یافته‌یم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا علیه خداوند چیزی می‌گوید که علم بدان ندارید؟ **۲۸**

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است؛ و [اینکه] رویتان را در هر مسجدی [به هنگام عبادت، به سوی قبله] نمایید، و او را بخوانید، در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانیده‌اید؛ [و بدانید] همان گونه که [آفرینش] شما را آغاز کرد، [به سوی او] بازمی‌گردید. **۲۹**

[در حالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی برآنان حتمی شده است، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا سرپرست [خود] قرار داده‌اند و می‌پندارند که راه یافتگان‌اند. **۳۰**



در سریان زردهم

فضیلت آراستگی

هرگاه دنبال آرامشی فراگیرم، در طبیعت خداوند گام می‌گذارم و دل به نعمه‌های خوش‌آهنگ آن می‌سپارم تا پایانی باشد بر ناخوشایندی و خستگی‌های زندگی روزمره و امیدی برای آغازی دوباره و پرلاش و هیجان‌انگیز.

در طبیعت، به هرچه می‌نگرم، زندگی و زیبایی‌هایش جلوه‌گر است؛ بوته‌های سرسبز آن طراوت و شادابی را فریاد می‌زنند و گل‌های رنگارانگش عشق و زیبایی را. کوه‌هایش استواری را به تصویر می‌کشند و رودها و چشمه‌هایش پویایی و حرکت را...

با خود می‌اندیشم آیا من هم می‌توانم؟

آیا می‌توانم در اجتماع چون برگ‌های بهاری پرطراوت، چون گل زیبا، چون کوه استوار و مانند رود پویا باشم؟

آیا می‌توانم با حضورم آرامش و امنیت را برای دیگران به ارمغان آورم؟ و مانند برخی برگزیدگان الهی هرجا که باشم منشأ خیر و برکت باشم؟^۱

سرانجام با خود می‌اندیشم چگونه حضوری در اجتماع می‌تواند این ثمرات را به دنبال آورد؟

۱- وَ جَعَلْنِي مُبَارِكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ. سوره مریم، آية ۲۱

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حسن خلق، سخاوت، مهربانی و ... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و هم تشیینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند.

پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند یعنی آراسته به زیبایی‌های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.^۱

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود :
خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.^۲

پیامبر همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت : جدّ شما این گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام علیه السلام فرمود : در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.^۳

همچنین ایشان می‌فرمود : خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می‌آید.^۴

و نیز می‌فرمود :

دور رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۵

۱- غرالحکم و درالکلم، تنبیه آمدی، ج ۱، ص ۳۰۷

۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۷۸

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۲

۴- امالی، طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵

۵- ثواب الاعمال، شیخ صدق، ص ۳۶۲

در کنار این توصیه‌ها و سفارش‌هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان می‌شد، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر ﷺ به مردان می‌فرمود : **سبیل و موهای یعنی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.**^۱ پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.^۲

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد؛ بلکه شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر، زمان عبادت نیز می‌شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه‌های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شب‌انه‌روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می‌کند و زندگی را پاک و باصفا می‌سازد.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. جوانی که با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی یا خلق اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است. به غیر از این افراد، هرکس در جامعه تلاش می‌کند در هر جایگاهی که قرار دارد، برای خود مقبولیت کسب کند.

البته اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی، پاسخ‌های درستی نمی‌دهند و با پوشیدن لباس‌های نامناسب یا به کار بردن کلام زشت و ناپسند یا با گذاشتن سیگاری بر لب، می‌خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال نشانه ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

۱- قرب الاستناد، حمیری، ص ۶۷

۲- کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۴۳۵

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانروی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هر یک از علایق و نیازهای درونی به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت



یکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرّج^۱» می‌نامد و آن را کاری جاھلانه می‌شمرد.^۲

همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی برهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهای می‌شود که عاقبیتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عفیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد معادل نگه می‌دارد و به «تبرّج» دچار نمی‌شود. انسان عفیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بگشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

همچنین یک انسان عفیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران پایین آورد.

۱- تبرّج از ریشه برج است و برج بنای بلندی است که از دور به آسانی می‌توان آن را دید. واژه تبرّج به این دلیل در بحث افراط در آراستگی به کار گرفته می‌شود که برخی برای جلب توجه دیگران، خود را به شکلی در می‌آورند که توسط دیگران دیده شوند. امروزه تبرّج مصاديق مختلفی یافته که برخی از آنها عبارت اند از استفاده از عطرهای تند، پوشیدن لباس‌های با عکس‌های نامناسب، پوشیدن لباس‌های بد نما و باره و ...

۲- سوره احزاب، آیه ۲۳

بنابراین، به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی و پوشش او باوقارتر می‌شود و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.
امام علی علی‌الله می‌فرماید :

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شود با انجام گناه به جنگ خدا بروی». ^۱

و امام صادق علی‌الله نیز می‌فرماید :

لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است. ^۲

زن، مظہر عفاف

گچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش پیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظہر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه نااھلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود.

دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زیبینده شد، باید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز باید در خدمت هوس‌رانان قرار گیرد. همان‌گونه که اگر انسان

از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبیش می‌شود، عرضه نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس را از او می‌گیرد.



۱- بخار الأنوار، مجلسي، ج ۷۱، ص ۲۶۳

۲- همان، ج ۷۹، ص ۲۹۹

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدامیک از آنها عفت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟ چرا؟

.....
.....
.....
.....
.....

اندیشه و تحقیق

- ۱- چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟
 - ۲- چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟
-

پیشنهاد

- ۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه درباره عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.
- ۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موضع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موضع، راه حل مناسب تنظیم نمایید.

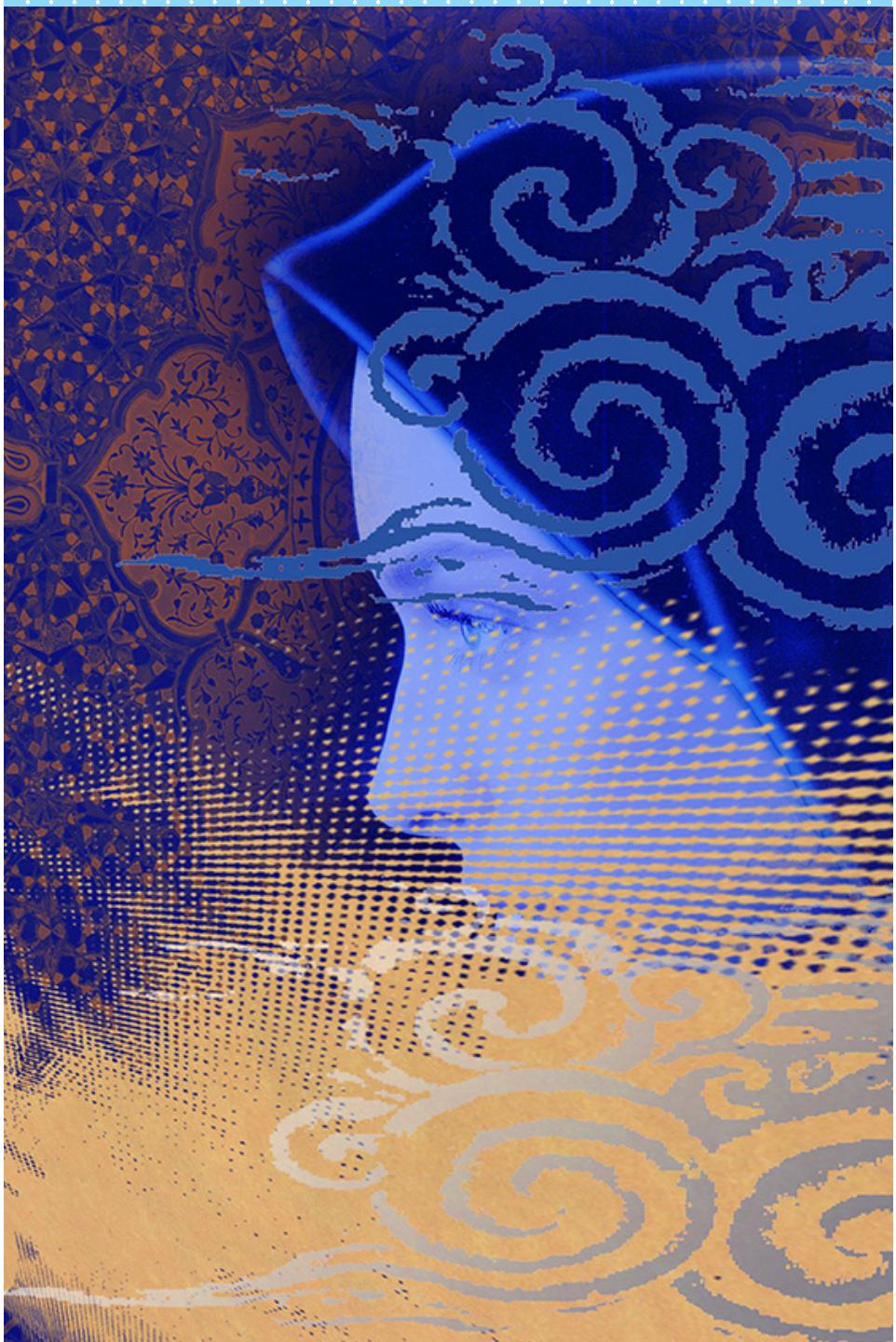
پاداشی به اندازه پاداش شهیدان!

امام علی علیه السلام :

پاداش انسان عفیف و پاک دامن که قدرت بر گناه دارد ولی آلوه نمی گردد، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست. همانا انسان عفیف و پاک دامن، نزدیک است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
فرهنگ بر亨گی و بر亨گی فرنگی	غلامعلی حداد عادل	سروش	دانشآموز / معلم
مسئله حجاب	شهید مرتضی مطهری	صدراء	دانشآموز / معلم
حیا	امیرحسین بانکی بور	نشر حدیث راه عقیق	دانشآموز / معلم
درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)	زیبایی تزاد و سبحانی	نصایع	معلم





قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُبُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
 ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ^{٢٠}
 وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُبْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
 فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
 وَلَيَضِرِّنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ
 إِلَّا لِبُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَبَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ
 أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
 أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَتِهِنَّ أَوْ نِسَاءِهِنَّ
 أَوْ مَالَكَتْ أَيْمَنَهُنَّ أَوِ التَّبِعَيْنَ غَيْرِ أُولَى الْإِرَبَةِ
 مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عَوْرَتِ النِّسَاءِ
 وَلَيَضِرِّنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ
 وَتَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُمُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{٢١}

آيات درس را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله برخوانید و به معنای آن دقت کنید.

به مردان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاک دامنی ورزند که این برای آنان [پاک کننده تر و] رشد آورتر است؛ زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است.^{۳۰}

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاک دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار ننمایند مگر آنچه [طبعاً] از آن پیداست و باید روسربی خود را بر گربه ایشان [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهر انشان یا پدر انشان یا پدران شوهر انشان یا پسران شوهر انشان یا برادر انشان یا پسران برادر انشان یا پسران خواهر انشان یا زنان [هم کیش] خود یا کنیز انشان یا خدمتکاران مرد تابع [خانواده] که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زیستشان نهفته می دارند معلوم گردد. و ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.^{۳۱}

در در و زندگی

دنیای ما انسان‌ها، دنیای عجیبی است.

با «کلامی» شوق حرکت در وجود مان جوانه می‌زند و با «لبخندی» روح امید از دست رفته به زندگی ما، دمیده می‌شود.

گاه با «سکوتی» معنای زندگی مان تغییر می‌یابد و با «فریادی» روش آن. «کلام»، «لبخند»، «سکوت» و «فریاد»، جلوه‌هایی آشکار از رفتارهای انسانی است که بر مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن، اثرگذار است.

اما همیشه این‌گونه نیست؛ چه بسا بدون گفتار یا رفتاری، مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن را تحت تأثیر قرار دهیم. آرامش و روان‌کسانی را برهم زنیم، قلوب پاکی را متزلزل کنیم، به تعهد و عشق همسرانی خدشه وارد کنیم و کانون گرم خانواده‌هایی را متأثر سازیم و این همه در حالی باشد که از قوی این امور بی‌خبر باشیم.

شاید برسید : واقعاً چنین چیزی ممکن است؟ این چه کاری است که این عواقب را به دنبال دارد؟ پوشش مناسب از نشانه‌های «عفاف» است، به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این ارزش را دریافت. با اینکه خداوند هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده است، اما نسبت به پوشش زنان به دلیل بهره‌مندی آنان از نعمت جمال و زیبایی توجه ویژه‌ای دارد.

با توجه به اهمیت پوشیدگی در دین، در ادامه برخی سؤالات رایج در این خصوص را مطرح و به آن پاسخ می‌گوییم.

■ آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟
خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارت‌انداز :

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گربیان و گردان آنها را هم پوشانند.^۱ در شرح و تفسیر آیات قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود پوشش را مشخص کرده‌اند و ما را به رعایت عفاف دعوت کرده‌اند.

مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید : «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود : «چهره و دست تا مچ». ^۲

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم : آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود : «بلی، آنچه زیر روسربی قرار می‌گیرد، باید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود». ^۳

۱- سوره نور، آیات ۲۰ و ۲۱

۲- قرب الانساد، حمیری، ص ۱۰۲

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عالمی، ج ۳، ص ۲۵

همچنین از قرآن کریم به دست می‌آوریم که: این گونه پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعریض به او را ندهند: ۱



ای پیامبر،

قُل لِّاَزْوَاجُكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءُ الْمُؤْمِنِيَّنَ
بِهِ زَنَانٌ وَدَخْرَاتٌ وَبِهِ زَنَانٌ مُؤْمِنَاتٌ بِكَوْنِيَّتِهِنَّ

پوشش‌های خود را به خود تزدیک‌تر کنند
این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند
و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است
و خداوند همواره آمرزند و مهربان است.^۱

يُذْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ
ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفَنَّ
فَلَا يُؤْذَيْنَ
وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا

■ آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیzman ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا بالارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این‌رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

۱- سوره احزاب، آیه ۵۹

■ آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

اولاً خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه نااهلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند. تجربه کشور ما به خوبی شان می‌دهد که قانون حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مرکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان چند برابر هم شده است.

دوم آنکه ادعای خانه‌نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم ﷺ را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب ﷺ را در حال چوپانی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر ﷺ، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروهان می‌دهد.

پس قانون حجاب، قانونی برای سلب آزادی زنان در جامعه نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن رادر ظاهر و قیافه وی خلاصه کند، به شخصیت، استعدادها و کرامت ذاتی وی توجه کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

■ آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟



ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمه دین داری شمرده‌اند. مطابق با آینین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و به حجاب پاییند بودند.^۱ در آینین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح ﷺ می‌کوشند مانند حضرت مریم ﷺ موی خود را پوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم ﷺ را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر، زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین داری تردیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

۱- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۲، ص ۳۰



در دوران اخیر پاییندی به تعالیم دینی کمتر شده و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی ﷺ و حضرت عیسی ﷺ هم که باقی‌مانده، مورد غفلت قرار گرفته است و به آنها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح ﷺ محسوب می‌شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان بر جسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست.^۱ در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.



راهبه‌های مسیحی



زنان زرتشتی

چه لذتی دارد ...

چه لذتی دارد وقتی در خیابان و کوچه راه می‌روی و صد قافله دل آلوده همراه تو نیست.

چه لذتی دارد وقتی در نابودی تعهد و عشق بین همسران سهیم نباشی و گرمای خانه‌هارا سرد نکنی.

چه لذتی دارد وقتی از سرپاکی و غیرت و مردانگی، بانوان و دختران سرزینیت را ناموس خود بدانی و سرمایه پاکی و نجابت‌شان را قربانی هوس‌های خود نکنی.

چه لذتی دارد که مردانگی را، نه فقط در پرورش اندام و قوت بازو، بلکه در توان خویشتن داری در مقابل وسوسه‌های شیطانی معنا کنی.

چه لذتی دارد که بدانی دنیا راهی است بهسوی خدا و در این راه نباید با نگاهت، با حرفت و با نوع پوششت، سنگ راهی باشی و دلی را از حرکت در این مسیر بازداری.

چه لذتی دارد که فقط زندگی کوتاه دنیا را نبینی و نگاهی هم به زندگی بی‌پایان آخرت داشته باشی.

چه لذتی دارد وقتی در آلوده شدن چشم و قلب دیگران نقش نداشته باشی و بخشی از گناهان آنان را پای نامه اعمال خود ننویسی.

چه لذتی دارد وقتی هدف خلقت خویش را فراموش نکنی و عمر گران‌بهای خود را پای میز آرایش و دوختن و پوشیدن و نمایش دادن و به چشم‌ها نشستن، به پایان نرسانی.

چه لذتی دارد وقتی رضایت خدا را به رضایت انسان‌های هوس‌ران ترجیح می‌دهی.

چه لذتی دارد وقتی طعمه قلاب شیطان برای دام انداختن دیگران نیستی.

چه لذتی دارد عفیف بودن!

اندیشه و تحقیق

۱- برای حضور سالم در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟

۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح ﷺ یک امر پسندیده است، برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

.....

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و بینید :

- ۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟
- ۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟
- ۳- با دوستان خود مشورت کنید و بینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هریک از موارد زیر چه ثمراتی دارد.

.....	۱- برای زن
.....	۲- برای مرد
.....	۳- برای خانواده
.....	۴- برای جامعه

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نظام حقوق زن در اسلام	مرتضی مطهری	صدر ا	دانشآموز / معلم
پرسش‌های امروز جوانان	جمعی از نویسنندگان	مدرسه	دانشآموز
دختران آفتاب	امیرحسین بانکی‌پور	سروش	دانشآموز

